

### ختم

از فرار یک در روزنامه ختم نوشته اند عالیجا مقرب الخاقان  
 چه اغلیخان حاکم ختم در انتظام امر ولایت و رفاه و آسودگی  
 رعیت و انجام خدمات دیوانی نهایت مراقبت و اهتمام بعمل  
 می آورد و در اواخر ربیع الثانی سجد سرکشی در رسیدگی دانات  
 خالصه وقت و در هر جا که بذریه و تحف و غیره لازم بود داده  
 رعایا آسوده خاطر مشغول امر زراعت و عیسی خود و دعا گوئی  
 دانت اقدس سجا یون شاهنشاهی خلد الله لک و سلطان بنیاد  
 و در کمال مراقبت و رسیدگی مقرب الخاقان مشارالیه احدی  
 از ضابط و مباشرین و نیاری با صدی لغت می در بیاد می  
 مکنه و رعایا و زارعین زیاد از این معنی دعا گو و شکر گذار  
 و نیز نوشته اند که کمال ارزانی و ذراوانی در آن ولایت  
 و کدم زیاد و بشهر نجان می آید بطوریکه بازار خبازان کساد  
 و نشان بروز دیگر میماند و خریدارنداشت درین خصوص  
 نیز مقرب الخاقان چه اغلیخان آمده شکایت ارگ دی  
 بازار خود و عدم خریداران سجده زیاد آمدن غله با نولایت  
 مقرب الخاقان مشارالیه محض سلامتی وجود فایض موجود  
 شاهنشاهی خلد الله لک و سلطان بهی دیوانی خبازان را که  
 سی تومان بود تحف داد مردم آنولایت و جماعت خبازان  
 راضی و کزبان علی دانت اقدس عالیون کشود  
 دیگر نوشته اند که دو فوج مراد ابوجحیی مقرب الخاقان چه اغلیخان  
 قاجار میر سجد که احضار مدبر بار معدلت مدارت عالیون شده  
 در روز پنجشنبه روانه شدن از آنجا کمال خوش سلوکی از  
 سجده حسن مراقبت مقرب الخاقان مشارالیه ظاهر کرده بطوریکه گوی  
 که اینها روزی با سبزه و انالی و لایب کمال ضابطی احسن سلوک نماید

### گروتس

از فرار یک در روزنامه گروتس نوشته اند از اتهامات  
 عالیجا مقرب الخاقان رین العابدین خان حاکم گروتس  
 کمال امانت و انتظام و ذراوانی و ارزانی در آنولایت حاصل  
 و هوای آنجا نسبت بسایرهای دیگر بسیار معتدل و خوب است  
 و زمان مرطوبان مرده فتح هرات که در ماه ربیع الثانی با  
 پر تو وصول افتد بود در بیجا رواجهای دیگر گروتس هفت  
 شبانه روز این بندی و چراغانی کرده بلوارم عیسی و سیر  
 و شادمانی پرداخته و درین هفت شبانه روز مقرب الخاقان  
 رین العابدین خان شربت و شیرینی و شام و نهار با عالی  
 و اشرف و انالی ولایت و غیره داده و مردم بدعا گو  
 دانت اقدس سجا یون شاهنشاهی خلد الله لک و سلطان استخار  
 داشته اند

### کراماتان

از فرار یک در روزنامه کراماتان نوشته اند ذوات  
 عباد الله اوله حکمران کراماتان در نظم امر ولایت و آسودگی  
 و رفاه رعیت و انجام خدمات دیوانی و رسیدگی با امور  
 نظرت و انجام و سایر نوکر کمال مراقبت و اهتمام بعمل  
 و افواج قاهره متوقف آنولایت را فوج فوج مدارالدوله  
 کراماتان خواسته بعد از رسیدگی بسان و رسان  
 موجب و چند روز مش در کراماتان در محض محل مکان  
 خودشان بنمایند و هم چنین در امر توپخانه و رسان  
 و اسبان توپخانه و انتظام امر آنها مراقبت تام بعمل آوردند  
 و قرار گذاشته اند که از اسبان توپخانه هر چه کسر با  
 و بز جوان خوب باقیع کرده داغ توپخانه نمایند

### اخبار دول خارج

از قرار یک در روزنامه اسلامبول نوشته اند که شش  
 وقوع زلزله و خرابی که بجزیره رودس روی داده  
 در روزنامه منفه گذشته نوشته شد هشتم ماه ربیع  
 هم از صبح در جزیره مزبوره بامی بارندگی شده در فترت  
 شد ادیافت نامزدیک غروب آفتاب طوفان بسیار شدیدی  
 ظهور کرده و بچند محل صاعقه نزول کرده بود و از جمله یکی از  
 صاعقهها بدرون شهر است بروی بار و طوفان آنجا  
 بقدر رسیدن از قطار بار و طوفان که در آنجا بود فوراً آتش گرفته  
 و از شدت صدای هیبت آن جزیره مزبور از زلزله سابق  
 سحرکت آمد در جوار بار و طوفان مذکور یک مسجد و بعد در  
 خانه و دکا کین بسیار خراب شد و در زیر این خرابیها آدم هم  
 مانده بود فی الحال پاشا که والی جزایر بحر سفید است با مأمورین  
 و سایر پستیر از آنها را که در زیر خرابی مانده بودند سالم  
 بیرون آوردند و بعضی را هم در لیبون رسانیدند در زیر  
 خرابی هلاک شده بودند  
 و همچنین در چهاردهم ماه مزبور ساعت در سیصد و یک  
 در محل چقور نام از کتبانبا جو در خانه حسنی آقایی از سینه  
 عثمانی که با پاس دوم ممکن بود قضاوتش ظهور کرده در عقب  
 عت کرشانه و مأمورین ساریه سیده هر قدر با طغای آن  
 بودند بجهت تنگنا بودن محل مزبور و شدت وزیدن باد سوز  
 آنجا چند شب شده تا هفت ساعت تا دیافه و تخمیناً شصت  
 خانه سوخته شد  
 دیگر از اخبار دول اروپا نوشته اند که دولت روس تا کنون

در کار خانات و نا بچه خدات دیگر از سینه دول غیر کسیر  
 در جل کار صنعتی نمیکردند در این اوقات اعلیحضرت امپراتور  
 روس این قانون را برسم زده و قرار داده است که  
 تبعه هر دولت که خواهد باشد کسیکه در صنعت چهارم  
 کامل باشد و بمالک روس برود و علاوه بر اینکه او را کار  
 که برای آن صنعت است بکار بازمی دارند در حق او مرتبه  
 امتیاز نیز داده می شود و این فقره را چند وقت پیش این  
 در روزنامه اعلان کرده بودند بموجب اخباری که درین  
 رسیده است فرار داده اند که این اشخاص اگر کسی در  
 دولت متبوعه خودش مشتم و مقصر باشد در کار  
 دولت مزبور قبول نمایند  
 دیگر نوشته اند که در شصت سال قبل ازین دولت اسپر  
 اجا که خود با سن هجوت میداد یک صاحب کارخانه بود  
 در دادن ماهوت بدیوان تقطب کرده و بقدر سی نفر  
 از صاحب منصبان عساکر در تقطب او شراکت و اتفاق  
 کرده بودند و وجهی که تقطب کرده بودند بقدر دو سیصد  
 هزار تومان پول این ولایت بود بعد از آنکه خیانت صاحب  
 کارخانه و صاحب منصبان بموجب او از خودشان معلوم  
 دولت شد همه آنها را محبس انداختند و اموال موجود  
 صاحب کارخانه مزبور نیز ضبط دیوان کرد  
 در شصت سال قبل ازین امالی طوسفان را سر شماری کرد  
 بودند یک طیمان و ششصد هزار کس که سر کرده و صد  
 کس بچاب این ولایت باشد شماری مذکور و آنات  
 ولایت مزبور شده بود در این اوقات که مجدداً سر شماری

۲۰۲۷

کرده اند یک بیان و ششصد هزار کس بقلم آمده است  
 که سه کور و سیصد هزار کس باشد و با این حساب  
 این شش سال دولت هرگز نمانده است  
 شهر فزونی که از ایالت کلی فارس و درجه غربی یکی دنیا  
 واقع و در تحت حکومت مجتهد سبکی دین است اول جانی  
 بود که همه جهه دولت نبرد آنجا سبکی داشتند فزونی نام  
 شخصی که حال رئیس جمهوری میشود در اسکامی که مرتبه یوزباشی  
 داشت یعنی ده سال قبل ازین تعلقش امور آنجا مأمور شده  
 با ایالت مرقوم رفت و بجهت اینکه در معدنیات سرشته  
 کامل داشت شهر مزبور را با معدن طلا دیده بود در  
 بقدر قوه و بصاعت خود از آنجا بعضی زمینها خرید و بود  
 بعد از آن معاودت کرده این کیفیت را به کس نشود  
 اعلان کرد و در ثانی با آنجا مراجعت نموده منافع کثیره عاید  
 او شده بود از آنوقت از هر ولایتی مردم بجهت در آوردن  
 طلا با آنجا رفعت حجت کردند و طلای بسیار حاصل نمودند  
 چنانچه در روزنامه های گذشته نوشته شد حال  
 آنجا که اول دولت نبرد بیشتر بود بدولت هرگز کس  
 و شهر معظمی شده است  
 بموجب اخباری که چند دفعه در روزنامه ها نوشته شده است  
 در ضمن معاملات بلکه از جانب دولتمسین انگلیس و فرانس  
 تحکیمات و احتیاطاتی که بدولت ناپولی شده بود بجهت عدم  
 قبول دولت ناپولی سفارای دولتمسین مزبور که در ناپولی  
 بودند بر حسب تعلیقاتی که در دست داشتند قطع عاید  
 نموده بمالک دولت متبوعه خود مراجعت کردند از فر

اجباری که این اوقات رسیده است سفیرین مشارالیه  
 در اوایل شهر ربیع الاول بیارلیس ولندن رسیده  
 بدولتهای خود بیان کیفیت نمودند درین خصوص بجهت  
 بعضی چیزها اعلیحضرت امپراطور فرانس سفیر انگلیس را که  
 از ناپولی معاودت نموده بلندن رفته بود از لندن بیارلیس  
 دعوت کرده است  
 دولت ناپولی در این اوقات ایالتی ولایت خود شش را  
 سرشماری کرده است ذکورا و انانامه بیان که سجد کرده  
 ای ولایت باشد بقلم درآمده اند و از اینها دو طیان که چهار  
 کور با قهطل بل جزیره سیلیا میباشند  
 دیگر نوشته اند که دول فرانکستان اغلب با یکدیگر خویشی  
 قریب بودند و باین وسیله مابنی دوستی و محاربت را  
 سرکه داشتن از اصول قدیمه آنها و از چند سال قبل تاکنون  
 معمول میدارند و چنانچه از دول مزبور باین اصول عاید کرده  
 با یکدیگر قریب حاصل کرده اند در این اوقات نیز برادر  
 امپراطور استریه پرنس متسیلیین دختر فرانس بلجیقا را اراده  
 که تزویج نماید و از فرار یک نوشته اند بعد ازین رسم عروسی  
 آنها اجری خواهد شد  
 دیگر نوشته اند که در قصبه پیرین در ملک بلجیقا سبک شش نفر نطفه در کن  
 حوضی بازمی میکردند سه نفر آنها ناکاه بچوض افتادند آنها که زکر کردند  
 از خوف فرار کردند و یکی که از آنها کو حکم بر دست چهار ساله بود خورش قبول فرار  
 کرده خود را بچوض انداخته و هر طور بود آن طفل را سلم بیرون آورد  
 و بجهت اینکه طفل چهار ساله اینکو غیر تنیدی حجت کامل عاید کرده  
 مورد استعجاب است و بجهت وانه دولت مزبور یک قطعه زمین با دولت

۲۰۲۸

روزنامه فایز انقلاقیه پنج شنبه پنجم بهمن ماه اولی بنی امیر

منطقه دارالخلافه طهران

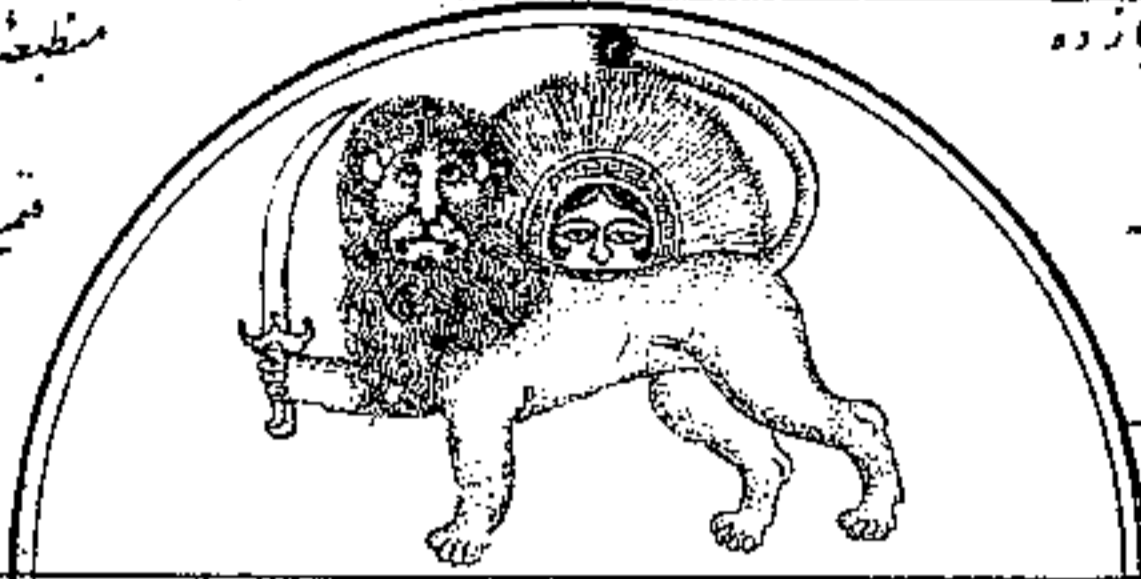
کمر مسجد و یازده

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر خطی هر

هر خطی ده



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون قاعده معمول کل دولت این است که با دولتهایی که  
 طریق سلم و صفوت دارند مرتب دوستی و مسالمت آنها را به  
 خود نگاه دارند تا چنان باد که بنا بر مصالح خود را با خود اعلام  
 در این اوقات که قرار کرد ولت علیه ایران دولت کلتیس بزراع و محاسبت  
 انجامید لازم آمد که بهوم مالی ممالک محروسه ایران به موجب  
 این فقره اعلام شود علی بن ابی طالب و امیران محروسه شرف صدور یافته  
 از جمله فرمانی که بعد از فتح نواب پزاده عظمی و امیران محروسه  
 دارالخلافه شرف صدور یافته بود که گوشه عمو مالی و انجلا و علیه از فریب  
 اعلام و اعلام و امیران و امیران و اعلا و ارکان و غیره  
 از موضع شریفان بنده بود روز پنجشنبه امیران محروسه و جمع می دانند  
 پادشاهی و انجلا و منتقد کرد که مضامین این فرمان بهیچ اسم  
 چون مالی ملک ملت بعد از اطلاع جمالی برکنات حاج خطیر با یون نقل الهی که  
 مالک قاف اتم و نسبت بهوم ضلایق ولی الامر و امیران محروسه هر کدام فراموش  
 عرضی داد که میخواهند جمع تا یون خسرو در برسد عامه سراسر این  
 و شرف بود لهذا توسط حضرت علی محمدین که الله الهم از جناب شرف  
 اجداد رفع چشم صدر ام دام ظلها القا به دعا و در خوا نمودند که میر

داشتند در آن مجمع عام حضور بهم رسانند نام دم عرضهای خود را بجا آورده  
 با جلالت من عرض دارند حضرت علی شریعت حضرت صدرت پادشاهی  
 نوشتند که بعبارة درین روزنامه نقل شود بشرح عرض می سازد از فراموشی  
 شاهزاده و الاماره میرزا حاکم دارالخلافه اعلام فرموده بود که گویا و خط  
 مبارک از جانب شاهی بجا می آید چون امیران محروسه و امیران محروسه  
 صادر شده که با بیل ملت ابلان فریاد در مجمع و اجامی گذارده اند که  
 شاه جمع فرمانها یون را بخوانند بدین مضمون که هم تمام اهل این  
 هر یک طیبانی عرض شده عاخوانند و برای همه ممکن بنویسند عاخوانند  
 تا یون عرض دارند لهذا لازم است جناب امیران محروسه که رئیس کل ملت و شخص اول  
 دولت مطلقه اجانبی بجا می آید یون دارند خدمت کشید به شرف سار و در  
 خواندن فرمانها یون مردم عسکری و غیره عرض و نیت معصوم خود را بجا  
 عرض کردند چون اینطور است و چون مردم محرم بنوع خاص صد  
 رسید بجا بالمسئولم در مسجد حضور بهم رسانند و جمع از اعیان دولت دارکا  
 حضرت هم در خدمت بوده ان حاضر شدند و عالیجاه خطیب مانتی  
 بالارقه دستخط و فرمانها یون را که افتتاح بجا شرفستان  
 دولت میخواهد موقوفین دارالخلافه شده بود با قان بلند شروع  
 نموده و بسج حاضرین دستمیں رسانید

۲۰۲۹

# سواد و سنجش مبارک که در صدر فرمان هایون مجتبی و غزین گردیده

بر همه معلوم و آشکار است که ما همیشه تا پیش از این در آن حد که خلافت  
بغیرت و عصیت دین و دولت در میان نباشد البته راضی بسفالت  
و جدال و قتال نیستیم و قیام بشر این فرمان را که گمان دولت  
انگلیس که خود را دوست قدیم این دولت بداند این فرج عیسی  
و حرکات شغریه و شمشیرهای آشکار و اینکه نخواهند دولت اسلام  
و نیل خود کنند بر صدها ظهور و بروز برسد و ابد اخالی بخیرت  
اسلام ندانند باشند در روز بروز بر تکالیف شایسته خود بفرمان  
استند ما هم تا در قوه داشته باشیم بر ما واجب بلکه بر جمیع اهل اسلام  
عموما و تشیع خصوصا لازم است که کرامت بر میان سینه باد  
غرض خصم از دماغ او بخواست خداوند تعالی و توجه بفرمان  
صلوات الله و سلامه علیه و اگر در رضی علی هدیه الصلوة و السلام  
پس درون کنیم تا اینکه بداند و بفهمد که غنت دولت غمور اربان  
و اسلام مملکت خود را که سالهاست با غیرت و عزت و شوکت  
راه برشته اند و بر همه عقوف داشته دلیل تدبیر و تدبیر دولت انگلیس  
خواست من که پادشاه مملکت استم درین راه تا همه جاهستانده ایم  
نوکران در عیای غمور ما را اسما نخواهند که است فی شمس

جمادی الاولی ۱۲۷۳

و بجز این مضامین فرمان هایون هم این بود که نو آینه سنجش هایون  
حفظ عموم و رعایت مواظبت دولتی را با هر یک از دول  
سوار خود شرعا و عقلا واجب لازم بدینم و قدیم مقتض  
عهد با دولت انگلیس کردیم و دوستی دور که قدمت عهد  
و پیش قدمی با دولت ابدی الودام ما داشت عزیز و محترم

بسیار استیم لیکن او همچو بی غم عهد شکنی با ما برخواست و عساکر کوشیدی  
جنگی خود را داخل صلح فارس نمود و بندر معظم این دولت را  
که عبارت از بوشهر باشد علی الغفله آمده متصرف شد و اقوال  
و تعهدات عظیمه ای که پیشتر در اسلام قبول کرده حفظ رسته  
دوستی و مسالمت با ایلی که پیشتر در میان داشت هیچ کس  
و محل اعتناء نیست و اینطور بی مبالائی و تکلیف غیر محقانه در حق  
دولت ما و دولت اینها ما نیز بعد از ملاحظه چنین رفاقت  
دولت انگلیس بجز حفظ ناموس دین دولت خود متوکلا علی الله  
همه جاهستانده ایم اما بی تکت و بهدینان عزیز با که بعزیت و عصیت  
و مردانگی معروف است شده و سالها در سایه حرمت با ما و اسلام  
و اجداد کرام ما انرا بقدر همینم بعزیت و آبرو گذرانده و جنبها  
و ایشا تا دیده اند البته ما را اسما نخواهند که است پای عزیت  
شجاعت و مردانگی استوار خواهند داشت یکی مردم بعد از ستم  
این الفاظ و فرمایشهای بعزیت آید متفقا باللفظ اظهار ارادت  
اطاعت نموده عرض کردند که در راه پادشاه رؤوف و مظلوم  
اسلام پناه و حفظ ناموس ملت و دین خود با جان مال و  
عجال اولاد استناده ایم و از بذل ایشان هیچکدام درین راه که  
عین سعادت و کجی نباشد و آخرت است فرد که از ستم ما هم که در خصوص  
از جناب شرف رفیع امجد صدارت پناهی ام فظله افاضت عیسی  
که این عرض است عامی صادقانه مخلصا پیش از این عرض ای عزیت  
اندلس هایون حضرت ظل القیسان الله تعالی شکوه عن ستم  
برسانند و نیز عرض و اظهار کردند اگر چه سیر کار علی حضرت قوی است  
ظل القی بر روحا فداه مالکت رفاقت نام ما باشد و ما با کلام  
ایضا و بندگی داشته اطاعت برده کی را بر بقعه و کردن جو  
داریم و همه خانه را و ان و ازاد کرده شدگان این دولت

۲۰۳۰

۳

و سلطنت سینه چشم قبول افتاد و امر و نواهی سر کار آمد  
 بهایون که بنا بر اول الامر پیشند بر همه ما با فرض منعم است  
 چون درین مسئله حاضر و مقدمه واقعه پای منبت و جنبه  
 نامرئوس محبت در میان است اگر چه آنچه بالفرض مقام منع از  
 نفاقه و مجاهده ما با بر پاید دست از تقصیر و عبرت دین داری  
 و محبت خود بر داشته ممانعت پذیر نهیم و در جناب حضرت  
 پناهی نیز برکت از مردم جدا گانه اظهار گرفت و عطف فرمود  
 ایشان را بر جسم اقدس تالیون پادشاهی متبذ و لاری انداخت  
 بطور خوب و شایسته مفضی شده جناب شرف امجد ارفع  
 و اعیان و ارکان دولت بعد از وداع حضرات اعلام و  
 همراهی نسبت به بیان جهت فرمود  
 در روز دوشنبه شانزدهم شهر جمادی الاول و دو فوج مرغان  
 ابو جهمی معتب انخافان جعفر قلیخان جابری سیرنج که  
 احضار رکاب فروری ایشان بکون شده بودند در میان  
 ارکان حاضر شده صف نظامی کشیدند و همچنین سواره  
 شاهسون افشار و سواره قورت بکلو که سان داده  
 و مدارکات لازم آنها دیده شده بود در میدان فرود حاضر  
 شده در پشت سر افواج فرود سر تا سر میدان صف کشیدند  
 و اعیان فوی شوکت شاهنشاهی تا آنکه چشمه سیرنج  
 افواج و سواره فرود شرف فرمای میدان ارکان گردیدند  
 اولاً ملاحظه آحاد و افراد و فوج مراغه را مشاهده نمودند چون  
 از استگی و نظام مراد شده مقرب انخافان جعفر قلیخان  
 و سایر جمعیضبان و آحاد و افراد هر دو فوج مورد  
 تحسین و نوازش و التفات مویکانه گردیدند و بعد از  
 آن سواره شاهسون افشار و سواره قورت بکلو بکلیت

آمده با اسلحه و اسباب آراستگی تمام و سپاهان فرود  
 کاری از نظر همراهان تالیون گذشته سواره فرود و سرکار  
 آنها ناما مورد التفات و تحسین گردید در همان روز و پنجشنبه  
 روزنامه هفت گشته نوشته شده روانه محفل ما تبریک گردید  
 نوابشاه دولت خان پسر خوم نواب محبت زمان کابل که از  
 معسبه بن خوامین کابل و کجبال کفایت جلافت موصوفه و بود  
 او بدر بارها بیون سرکار اعیان حضرت شاهنشاهی خلد اندک  
 در روزنامه هفت گشته نوشته شده بعد از ورود او از جناب  
 اشرف ارفع انجم صدر عظم رالافات نموده از جانب حجاب  
 معظم کمال محبت در باره او بعل آمد بعد از آن شرفیاب حضور  
 اعیان حضرت فوی شوکت شاهنشاهی گردیده نهایت حرمت بویگان  
 در حق او مبذول افتاد و امید داری تمام مراسم خروانی همراه  
 با بکلو دران و خوانین افغان که الان در دار بکلو  
 هستند از رئیس مرغان و ضمیمه و شرف فرستاده نفر  
 کسان کافه کاری میباشند با صراحت شوق تمام از اول  
 دولت علیه درخواست از دارند که نسبت فارس ایران  
 در آن اطراف تصور شوند و در آنجا در دوامردی  
 در دانی شجاعت داده مصدر خدمات نمایان شوند لکن هنوز  
 از اولیای دولت علیه حکم صریح درین باب نشده است  
 چون خاطر خطر همان شاهنشاهی از محسن خدمتگاری گشت  
 نواب استیظاب شاهزاده والا بنار خاتم الدوله خان میرزا  
 حکمران عربان و رکنان در وجود و جنبه باری زمین  
 در رضامندیست که همیشه اوقات در انجام مکنات بی کمال کفایت  
 و کار دانی بعل آورده لهند و این اوقات محض غایت خدمت

۲۰۳۱

بکتاب کلچر ابره ترمه بطانه خراز بس خاص بدن مبارک  
 بادستخط هایون مشعر بحال مرحمت ملوکانه شرف صد  
 یافته افتاد کردید  
 و همچنین محض ظهور رحمت ملوکانه در باره نواب امیرزاد  
 اکبر میرزا نایب الحکومه بر وجود فرمان مهر لعلان هایون  
 بافتخار نواب مغزی الیه شرف صدور یافته بکتاب چتر خوب  
 جانب نشی ایوانب اقدس ملوکانه با و مرحمت کردید که در  
 نواب مستطاب حشام الدوله در نظام امر بر وجود و مضاف  
 و انجام خدمات دیوانی لوازم ایتمانات با این موارد  
 نظر با ایتمانات عالیجا محبت مشرا بهل صاحب در انجام  
 محو له بنجود سعی در تعلیم شاگردان مدرس دارالفنون  
 خدمات مستحسن خاطر اولیای دولت قاهره افتاده در این  
 اوقات از جانب سنی ایوانب اقدس هایون با عطای  
 بقطعه نشان و نشان تیرپی با صاحب مفتخر کردید و فرمان  
 مهر لعلان مبارک رسم شرف صدور یافته حلقه مهر طلعت  
 با و مرحمت کردید  
 هوای دارالخلافه طهران درین اوقات بسیار خوب و با اعتدال  
 اگرچه تا این روزها بارندگی که بایست بشود نشده بود ولی  
 در شب چهارشنبه گذشته بارندگی بسیار خوب در روز  
 مجدداً شروع بارندگی نموده در اول بارندگی هوا انقلابی  
 بهرساند که موسم تشویش بود ولی رفته رفته انقلاب طوی  
 فروکش کرده قدری کرک ریزه آمده بعد از آن باران ریاض  
 آمده بارندگی کامل شد بطوریکه سبب مبدداری ریاض  
 بجهت صاحبان اطلاق و اهل زراعت کردید  
 امور شهر دارالخلافه و توابع آن حسن مراقبت و کفایت بود

مستطاب هزاوه پنجم والا تبار در شیرمیرزا حکمران دارالخلافه  
 و مشرب الخاقان میرزا موسی وزیر نهایت نظام رادار و دعای  
 کلاتر و که خدایان حسب الامر موافقت تمام در نظم شهر  
 محلات و انجام خدمات محوله بنجود دارند و خلاف قاعد  
 و سرعت بسیار کم اتفاق می افتد و اگر بندرت حرکت حلقه  
 از کسی سر برزند در مقام مواخذه و تنبیه می آید یا اگر سرقتی روی بد  
 سارق بدست آمده تنبیه و سیاست و اموال سرور و نصیب  
 تسلیم میشود از جمله اعلام نامی که بکرات مرتکب دزدی شده و تنبیه  
 گردیده و یک دفعه سیاست ه کوشش او را بحکم نواب هزاوه  
 بودند باز دست از دزدی برداشته در این اوقات بکام  
 آقا حسینقلی صنی فروش رفته بعضی اسباب دزدیده بود او را  
 گرفته محبوبس ششده تا این اوقات بحکم نواب مغزی الیه  
 شرح مجدداً او را بعضی سیاست در آورده دستش را از عمل سرت  
 قطع کرده و مهار نموده در بازارا گردانده اخراج کردند  
 و همچنین دوی نامی بکرات دزدی نموده و تنبیه شده بود ذابیه  
 نگرده باز در این روزها مرتکب دزدی شده بود دستگیر کردید اگرچه  
 دستش بحکم شرح بریدنی با اما حسب حکم نواب مغزی الیه کوشش  
 بریده و مهار نموده در بازارا گردانده اخراج نمودند  
**اعلانات**  
 کتابی که عالیجا مشرب الخاقان میرزا فتح حکیم باشتی کل در علم حکومت و طبایع  
 تألیف و موسوم بانوار ناصریه نموده بود که تفصیل آن در شماره ۳  
 این روزنامهها نوشته و اعلان شد مجدداً اعلان میشود که هر  
 طالب نسخه از آن کتاب باشد در کاروانسرای دولتی در  
 اطاق عالیجات اخوند ملا محمد حسین تاجر تبریزی هر نسخه دو  
 چهاراردینا فروخته میشود

۲۰۳۲

### اخبار دول خارجی

موجب روزنامه که سابقاً نوشته شده بود مالک مجله  
 یکی عبارت از سی و شش جمهوری و از جانب این سی و  
 جمهوری سخته امور و حسد و بولشعه در شهر و آشن تن  
 که در حته شمالی یلی و یا واقع است مجلس شعی و مجلس  
 خوانین اصدادگان منعقد میشود و این دو مجلس در تحت حکم  
 یک رئیس جمهور و یک مستشار نظارت اند و مقتضای نظر  
 خودشان رئیس جمهور و مستشار هر چهار سال یک دفعه تبدل  
 میشوند و بجای با اتفاق انالی و اعضای این دو مجلس یک  
 دیگر نصب میشوند درین اوقات رئیس جمهور و مستشار  
 ختام پذیر گردیده و لازم شده است که بجای آنها  
 دیگر تعیین شوند و چونکه این سمت جنوسیکی دنیا با این  
 در بعضی جهات مخالف یکدیگرند از جمله در طرف جنوبی  
 و کینر سیاه زمین و بام زراعت و غیره بازداشتن  
 و قانون قدیشان است و طرف شمال این قانون را لغو  
 و خلاف آزادی میداند لهذا در تعیین رئیس جمهور و مستشار  
 بوقایم نام سفیر سابق لندن را که مایل بقای قانون  
 انظرفی بریاست جمهور اختیار و طرف دیگر جناب سوزو  
 که مچلی از احوال او در باب معدن طلای کلی فارسیا در حقه گذشته  
 مسطر شد انتخاب کرده اند انالی مرقومه سخته این مهم از طرف  
 خودشان در این نوبت دولت و لود و شش نفر وکیل کرده  
 و بشهر و این رسال و استند و در مقام ریج الاول در اینجا  
 منعقد شده بنا بر قبول رای طرف اغلب اکثر که استند انصاف  
 مجلس و فرقه شده فرقه انود استن اصول قدیمه و زمره نقای  
 معق شد و چون طرفین در عهد و اشخاص مساوات داشتند

و اکثریت از هیچ طرف ظاهر نشد لهذا در حضور من  
 رئیس جنوبیه وزارت داده شده و بهمان حالت باقی  
 در سمت شمالی قطعاً و رو با که عبارت از فرنگستان با  
 ایالت لاپونیه نام که در تحت حکومت اسونج و نورویچ است  
 حسب الموضع سالی سسم هفتاد و شش در وقت سی و هجده  
 غایب میشود و درین مدت اصلاً تا یکی لمحوط نمیکرد و بعد از  
 مدت مذکوره رفته رفته بار بجائی میرسد که اوقات  
 نظا هر فی شود و اینجا فوق العاده از بلا و بارده میشود  
 در هر فی نه ماه دایم بارندگی و برف است شاه دیگر  
 شدت برودت زایل شده در عرض این سسم ماه انالی  
 اینجا بام زراعت مبادرت نمایند هر طوریست بجهت  
 و برکت زمین در عرض هیت روز در آنها برکی می کنند  
 عرض نگاه میوه میدهند و بعد از این مدت وقت در وقت  
 بعد از برداشتن چرمنها در عرض چند روز در ختها با  
 خزان می کنند و مشروع بارندگی برف و برودت  
 هوای شود تا نه ماه دیگر درین حال برودت در انالی است  
 شدت کرده و بیش از یکماه و نیم وقت از برای زرع  
 و در نوشته اند باین جهت کل محصول انجار اسرا زده  
 و سوزانده چیزی بقی نیا مانده است و انالی انجا زیاد  
 و چار ققر و اضطرار شده اند از جانب دولت اسونج  
 نور و جیا قرار شده است که با آنها اعانه داده شود  
 هم که بسیار فقیر و بی چیز شده اند و در داده اند که انجا  
 دیگر سکنی بدینند

۲۰۳۳



چنانچه در روزنامه های سابق نوشته شد بجهت قبول  
 دولت ناپولی تکلیفات و اختلالات دولتی  
 و انگیس سفرای طرفین قطع تجارته نموده ولایات خود را  
 کردند چون سفرای دولتهای ده لستین بزور بر از  
 مملکت ناپولی فرستند و کسی از آنها نداند که سالیست  
 خوراکه در ناپولی مستقر بنا به پادشاه ناپولی در  
 اوقات بکل حکام و مامورین ولایات خود اعلام کرده  
 که کمال احترام را در حق بجهت دولتهای ناپولی و انگیس  
 دارند و احدی با آنها احترام نرساند

و نیز نوشته اند که از جانب پادشاه ناپولی سفیری با  
 مأموریت مخصوصی کاتب روم ارسال شده است اگرچه  
 منظور از فرستادن سفیر روم بود معلوم نیست اما آنچه  
 روزنامه نیون فهمیدند که با توسط جناب پاپای روم  
 مابین دولت ناپولی با دولتهای فرانسه و انگیس صلح  
 باشد

دولتهای فرنگستان بجهت کشف معلومات و استحضار  
 اراضی و اقالیم عالم سیام و مامور فرستادن و کسب  
 از اوضاع بلاد بعیده و قریبه نمودن از قانون قدیم است  
 منافع و فوائد عدیده آن بکرات ظاهر شده است  
 اوقات از جانب دولت روس بجهت سیاحت نمودن  
 چین و استرالیای سایر ممالک بعیده و احوال معلوم  
 نمودن جمعی را باینجا نفرز اصل از کان مامور و قطع  
 کشتی قریب داده از پطر بورغ روانه کرده اند و در  
 نوشته اند در کشتیهای فرورود و قوتی از برای  
 مزبور مهیا کرده اند

حکمران سیام هندوستان چنانچه در روزنامه های سابق  
 نوشته شد داد و نذر مامور مخصوصش قطعه نشان  
 صاحب متعین و نشان و نشان و اینست که در روز  
 آثار رشادت از آنها بعمل آمده در مشاهده بود مامورین  
 بسیار پس وارد و شیر شهاب حضور اعلیحضرت امپراطور  
 شد مذموب اجباری که در این اوقات رسید منظور  
 حکمران سیام از فرستادن این مامورین اختلاط و امیر  
 با سایر دول فرنگستان است و اینم جمله را مامور سیام  
 خدمت اعلیحضرت امپراطور هند عرض کرده و از این  
 دولت ردیده نموده و در اینجا نیز مراتب دوستی و موالات  
 اظهار نموده از جانب دولت سار دینه هم سفیری مامور مملکت  
 سیام شده است

از قراریکه معلوم اصحاب سیاحت و ارباب جغرافیا شده است  
 بعینت زیاد روی زمین در مملکت چین است و از کوه خلق  
 خشکی گنجایش ششمین آنها را ندارد و اغلبی در روی هنر خانها  
 و کشتی نموده اند حتی در روی نهری که از تاگین میکند و بیشتر  
 بقصد هزار خلق خانه ساخته و نشسته اند چون سابقا  
 از دولت چین اذن عمومی داده نمی شد که اهل آنجا بجا  
 بروند رفته رفته خلق آنجا زیاد شده حال بجائی رسیده است که  
 کثرت خلق قلسا آذوقه تحلی افتاده است لهذا خان چین در این  
 این قانون مانع موقوف نموده و اذن داده است که کس از آن  
 بجا که میخواهد برود در اندک زمانی چین فقط بستر ای از  
 بجا و آدم رفته اند و اینها بسیار با قاعته شده و بجهتیکه چندان  
 بصورت اسیر ظاهر میزند و در کار کردن هر یک مقابل  
 کار را پیش میبرند

۲۰۳۴

روزنامه وقایع اتفاقیه سیاحت یوم شبیه پنجم شجاردی الاولی مطابق سال لوی ۱۲۷۲

نمره سیصد و دوازده

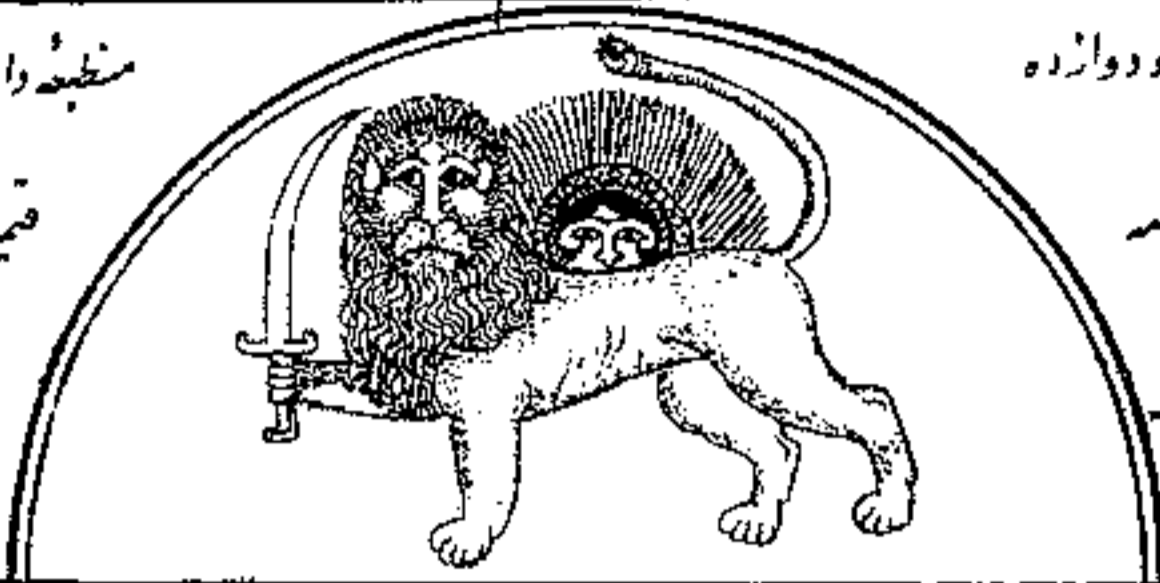
منظومه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه ده شایر

هر خط یک شایر



اخبار داخله مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون هر سال درین موسم اعلیحضرت قوی شوکت شاهی شرفیاب  
شکارگاه جاجرد میشوند و چند روز در آنجا تفریح و شکار میفرمایند و در  
بعد که شکارگاه فیروزیه کوکب تالیون از دارالخلافه مبارکه حرکت فرمود  
بجاجرد و شریف فرمائند جناب جلالت آیت شرف امجد رفیع  
عظم هم با بعضی از شاهزادگان عظام و خواص خدمت در مرکب  
کلابون فرستند درین دوره در آنجا شکار بسیار از گنجینه  
شده چنانچه سالها از آنجا بجهت بعضی از اجداد علای اعلام و شاهزادگان  
و سفرای دولتی متحتابه شکار و گنجینه میفرمایند و هم  
هر یک از اشخاص قومی مرتحت فرمودند و تا چند روز در آنجا تفریح  
فرمایند فرمود

خواهد داد و نظر بخدمت مصالح داخله از برای اطلاع عموم مالی ایران توجه فرماید که  
تجارت و داد و ستد در ایران و از آنجا حکام و مشرفداران دولت علیه ایران اعلام  
میشود که بعد از آنکه مازون مختار خواهد بود که یک صاحبقران پول سفید یا نقره غیر  
مسکوک حمل و نقل خارج نماند و مسرعه داران دولت علیه اذن دارند که اگر  
سخواهد پول سفید یا نقره غیر مسکوک حمل و نقل خارج نماید صیقل بمانند از  
برای اینکه تجارت شخصی ببرد و پول سفید هم زیاد بشود و بکل تجارت  
اذن داده میشود که صاحبقران با نقره هر چه داشته باشد بفضله  
دولتی برده پناه آید و سکه نمایند که تفاوت صاحبقران و پناه  
منفعت آنها باشد و پول سفید را خارج نبرند

موت امخاقان عین الملک درین روزنا بشمول رحمت  
اعلیحضرت قوی شوکت شاهی صلوات الله علیه و سلطانه  
و مباحی آید با عطای صلوات القات قرین مغفرت کرد  
در توقف شکارگاه جاجرد و یکتوب قبای سر و دست و  
کلابون دوزی از طبوس خاص بدین مبارک مقبره کلابون  
مشا را به خلعت رحمت گردید

از قریب که ملاحظه میشود این اوقات پول سفید در دارالخلافه و سایر جاها  
کمتر از پیشتر است و سبب این است که پول سفید را از چندین سال حال  
تفریح خارج کرده و غیره و اگر این قاعده تفریح را ببرد و جوی هم بماند  
بگذرد و آنقدر یکسکه که پول سفید دیگر نقره غیر مسکوک در مالک ایران با  
سخواهد و برای خزانه دولت و مردم این ملک کمال خسارت و معطلی

۲۰۳۵

مردنی بود که فیما بین سفر او مأمورین این دولت علیه با سفر او مأمورین  
 دولت جمهوری مجتهد میرکای شمالی در اسلامبول و دیدن و جان  
 با اجازه اعلی حضرت اقدس تاجون شاهنشاهی و اراوه امن  
 دولت مجتهد مزبور مذکره و گفتگوی اتفاقا محمد دوی و  
 در میان بودا و فانی که جناب محبت تضرع بقراب انجانان  
 فرخ خان الملی کبیر دولت علیه در اسلامبول بود این مذاکره  
 فیما بین جناب رالیه و جناب کمال رول سنس وزیر دولت مزبور  
 با نهایت رسید موافق اعتبار نامه که هر دو مأمورین را ایما دارد  
 داشتند عهد نامه مزبور را سمت انجام داده مبارک نمودند  
 عهد نامه میمون ما بین این دو دولت مبارک سمت استوار  
 و من بعد الی الابد فیما بین این دو دولت قوی گشت و او  
 برقرار بوده مأمورین و تجار طرفین با مالک جانین آمد و شد خوا  
 امیدگلی حاصل است که باین وسیله منفعت کلیت دولت  
 و تبعه و تجار این دو مملکت حاصل گردد  
 از غرض آنکه با اطلاع اولیای دولت علیه میرسد و اخبار روز را  
 داخله و خارجه خبر میدهند بعضی ارکان نخلیس در کارند که  
 مقصد آنست که باین دولت علیه بیارزند و آنها را در خفیة اغوا  
 و تحریک برافا و در داخل این دولت نمایند اگر چه مردم ایران  
 چنان بی غیرت و بی حمیت نیستند که با نگاهداری کسان نخلیس  
 از خصم بدین دولت خود بر دارند و یا دولت علیه چنان از  
 تسلط و اقتدار بر سر تبعه و رعایای خود برکنار نیست که از اعمال  
 و پنهانی هر کس بی اطلاع باشد و بتمام مدارک و ملاقی بر نیاید  
 در هر حال با تقضای قواعد ملک داری اعلام صحیح میشود اگر  
 آن ادعای نخلیس که واسطه ابلاغ نوشتجات مقصد آنست که مردم  
 این دولت مستند در اول کار مشخص معین شوند فی الفور در

باشند بنزای عمل خود خواهند رسید و اگر کاغذی از مردم  
 مملکت بر و حامل آورنده آن چنین نباشد حکم صریح دولت  
 این است که حکام ممالک محروسه اینقدر در کج کاوی و تحقیق  
 و مبالغه نمایند که بالاخره آورنده کاغذ نیست بدو لاجاله  
 هر کس بوده یا معین و حامل خواهد آنوقت حکم صریح دولت این  
 که حکام و کارکنان این دولت علیه آن آدم را بگیرند و سزا  
 برسانند بدین است که سزای چنان آدم مقصد دولتی چه خواهد  
 در هر حال سزای این آدم چنانست دولت حاضر آماده  
 کسان نخلیس دارند که امانی مملکت ایران را بسول و تطبیق مال  
 و از دولت روگردان نمایند اولیای دولت علیه صریح میکنند حکم  
 میکنند که مانع گرفتن پول نخلیس هستند هر چه کسان نخلیس  
 اتباع این دولت خواست باشند بدین اتباع دولت علیه  
 مأذون هستند در گرفتن پول نخلیس و لکن بعد از گرفتن پول لازم  
 که خیانت بدولت خود نمایند پول نخلیس را بگیرند و هم از خبر  
 و صلاح دولت مقبوع خود آن که دولت علیه اسلام است دست  
 بر ندارند حکام ولایات این حکم را با و از بلند بگوشت حج  
 مملکت رسانند که یک پول نخلیس را بگیرد در نزد دولت خود  
 نیست مقصود آنست که خیانت بدولت و یا دوشاه جمجاه اسلام  
 پناه خلد الله ملک و سلطان نماید درین صورت است ملت  
 بر چنان او جاری خواهد شد  
 بعضی از مقصدین ایرانی که سابقا این مملکت خارج شده بود  
 مذکور میشود که با خواهی نخلیس سالی داخل شدن بخاک دولت علیه  
 دارند که مشغول قسسه و اسود حکم نموده صریح حکام ولایات  
 سرحدیه و غیره صادر شده است که مراقب اینطور احوالی  
 باشند بچنانیکه دیدند که آنها پای داخله ممالک محروسه

۲۰۳۶

کذاشته اند فی العود دستگیر کرده ایشان را از روی زمین معدوم سازند

مراتب اموریت جناب فحاش نصیب مقرب انجانان فرخ خان

این الملک ایلیگی کبیر دولت علیه در سؤال و جواب با جناب

نائب لاردر و کلف ایلیگی کبیر دولت مقیم اسلامبول مخصوص

دائره مابین دولتین ایران و انگلیس در رفع بددست و انتقام

و معاودت بمفاریت انگلیس بدربار دولت علیه تحصیل در روز

سابقه اندراج یافته است جناب این الملک بعد از ورود اسلامبول

با اینکه قرار بود زیاده از پانزده روز در آنجا نماند و روانه ایران

در شامی بنا بکمال میل و رغبت اولیای دولت علیه بر فرود آمدن

حاصلد مابین دولتین ایران و انگلیس بر حسب حکم دستور العمل

دولت علی اجازت یافته دو ماه و شش روز در اسلامبول

توقف کرد و آنچه لازم است سمرای و خاطر خواهی باد دولت

بقدر وسع و قدرت دولت علیه بجا آورد حتی المقدور از قبیل

تکالیف دولت انگلیس مضایقه کرده بلکه بعضی از تکالیف دولت

انگلیس را علاوه بر دستور العمل ناموتی که با و داده شده بود

عهد خود گرفت اما چه فایده که جمیع سعی و اهتمام و تعهد جناب

شاه را بیفایده سازد که روز بروز جناب ایلیگی کبیر دولت انگلیس

بر تکالیف شاه خود شش افزود و جناب این الملک چون دید

تکالیف شاه و جناب ایلیگی کبیر دولت انگلیس حد تعریف ندارد از نظر

هر چه او تسهیل در مطایره و توقعات دولت انگلیس بنماید از نظر

جناب ایلیگی کبیر دولت انگلیس جدید سوار تر و آرمی آورد و قول

آن نوع تکالیف از قوه هر سفیر با اقتداری و بلکه از طاعت

هر دولتی خارج است توقف خود را در اسلامبول بیفایده

الاجاز ترک توقف اسلامبول کرده روانه پاریس شد و مسئله

بجناب ایلیگی کبیر دولت انگلیس نوشت که کلمه بکلمه درین معنی

نوشته بشود

سواد کاغذ که جناب فرخ خان امین الملک ایلیگی کبیر

بجناب ایلیگی کبیر انگلیس مقیم اسلامبول نوشته است

اگر چه تا بحال میل اولیای دولت ایران را در حفظ دوستی است

انگلیس بکرات با جناب اظهار داشته در بر صدق این اظهار خود

دلایل واضحی بیان و تکرار نموده ام ولی پیش از حرکت خود از

اسلامبول لازم میدانم که مقصود حقیقی خود در این صلح جوئی

دولت ایران و اهتمام شخصی جناب را در حفظ و ابط دوستی

دولت انگلیس مجدداً بنظر آنجناب بیاورم اولیای دولت ایران

از بدو روابط خود با دولت انگلیس قدر دوستی اندوخت را

فهمید و روز بروز طالب زیاد آن بوده اند و اگر چه درین چند

لی اعتدالی و حکمات نامورین انگلیس در ایران مخصوصه رفتار

غیر مشرفه جناب سمرقند سعیدی بعید از شرابط دوستی و

مخرب استقلال دولت بود که با نخبین فتنه های شان و

استقلال هیچ دولتی برقرار نماند ولی چون اولیای دولت

ایران یقین میداشتند که آن حرکات نامورین انگلیس سانی

شان و انصاف دولت انگلیس است و قطع داشتند که اولیای

آن دولت هرگز راضی نمی شدند که نام و قدرت چنان ملت بزرگ

در ایران اسباب آن نوع رفتار ناپسند شود و از آن طرف

معلوم شده بود تا و امیکه حالت غناش و غیر ثبات نشان

باقی است ممکن نیست که دوستی ده لنین ایران و انگلیس برای طرف

نتیج لازم خواهد بود و لذا دوستدار با جناب کامل و با دستور العمل

در سبب از جناب سنی ایجاب علی حضرت شاه اولیای خود را

نامور شدیم که طرح و مقاصد دوستی دولت ایران را بدو

۲۰۳۷

انگلیس حالی نایم و در باب استقرار حالت افغانستان و تغییر  
 مأمورین انگلیس در ایران چنان فراری بگذارم که هم مقصود لوطیک  
 دولت انگلیس بعمل بیاید و هم روابط دوستانه بیشتر از سابق مطابق  
 صلاح طرفین باشد و چون آنجناب از مصلحت گفتگوی فیما بین  
 کامل داشتند امیدوار آن بودم که با قضای انصاف آن جناب  
 مسانی مهم طرح دوستی لیسین را بیکمیل بر بزم ولی نور هم در  
 که با وصف میل آنجناب و آرزوی صادقانه خود که در اول درود  
 خود بجهت ملاقات آنجناب اظهار نمودم چگونه اتفاق افتاد که از  
 آنهمه تامل و اگر راه از دیدن من بطور رسید یعنی دارم که  
 هرگز فراموش نخواهند کرد که من بجهت درک ملاقات شما و  
 چه قدر ما کوشش نمودم و متحمل چه نوع حالات را بر خود روا  
 و آخر الامر می آنکه آن جناب را ملاقات نایم ولی آنکه میباید  
 مطالب دولت خود را بتوانم حالی نایم بر حسب اصرار آن جناب  
 تخلیه مرات را بجهت رفع منازعه فیما بین بر عهد خود گرفته ام  
 در این باب از اختیار خود بابت تجاوز نمودم ولی درستی که  
 میکردم که بواسطه فرار امر هرات رفع برودت فیما بین بگشاید  
 با کمال تحجب دیدم که آنجناب تکالیف چند که بهیچ وجه قابل  
 اصلی نداشت هیچ سفیر نمیتوانست در آن نوع مطالب بگردد  
 نماید باینجناب اظهار نمودند اگر چه اظهار چنان تکالیف دلیل  
 بود که مقصود دولت انگلیس در ای حفظ دوستی دولت ایران است  
 اما باز دستدار بجهت تکمیل اتمام خود خواستم آنجناب را ملاقات  
 نایم که شاید بطوریکه معایر شان سفارت ایران نباشد  
 اصلاحی پیدا شود ولی آنجناب در صحن ملاقات برخلاف  
 امید من اظهار داشتند که بهیچ وجه با ذون نیستید مطالب  
 ایران را بشوید و یا ریزاید که تکالیف دولت انگلیس را تغییر  
 بدهد

بنا بر این اظهار آنجناب بنا بعدم اختیار خود بجهت قبول چنان  
 تکالیف دیگر برای من در اسلامبول تکلیفی باقی نماند لکن در آن  
 مجلس صراحتاً اعلام نمودم که بعد از سه روز از اسلامبول حرکت  
 خواهم نمود و مرتب تکالیف شما را با اطلاع اولیای دولت ایران  
 خواهم رسانید و در ضمن این ملاقات بجهت سند تازه بر حسن  
 دولت ایران در خصوص هرات که خبر گرفتار رسید بود اعلام نمودم  
 باینجناب دادم روز بعد بواسطه عاجی مانستم و در چار  
 برای دستدار پیغام دادید که من در اینجا بایم تا در یک  
 دولت انگلیس جواب اولیای دولت ایران برسد و در آن  
 توسط ایشان چنین اظهار داشتند که اگر من اختیار قبول تکالیف  
 آخری دولت انگلیس را میبستم جناب شما تغییر فقره تکالیف  
 مزبوره را که عبارت از روابط ایران با افغانستان و فقره  
 قوسله های انگلیس تغییر صدارت عظمی را بخواجسته انگلیس خواهند نمود  
 من با وجود اینکه مایوس بودم از قبول کردن دولت ایران  
 آن تکالیف را ولی محض اینکه سندی برای توفیق خود  
 پیدا کنم و دلیل بر کمال میل دولت ایران بدوستی انگلیس  
 سازم بایشان گفتم اگر در شکر کشی دولت انگلیس توفیقی  
 واقع شود و قرار ملاقات تازه با من بدهند که بتوانم در آن  
 ملاقات اظهارات خود را بیان سازم و از چند فقره لازم که  
 یکی توفیق شکر کشی است اطمینان حاصل نمایم مضایقه نخواهم  
 داشت تا رسیدن جواب توفیق نایم باز آنجناب ملاقات  
 خود و اصلاح کار را منحصراً بقبول التوا توأم سابق دولت خود  
 نموده بودند اولاً چون حتی المقدور در مسرعی باینجناب  
 تکلیف خود میدادم و دوم از برای آشکار شدن کمال  
 دولت ایران بدولت انگلیس که دیگر هیچ جای شک  
 نیست

۲۰۳۸

تعمیر  
 توفیق  
 آن  
 گفت

نماند دستیم بامید اینکه بعد از قبول این التوا تو م رفع برود  
خواهد شد و کارها با سانی خواهد گذشت و دولت انگلیس  
ملاحظه این همراهی با کمال در بانی رفع اشکالاتی را که دولت  
ایران با آنها گرفتار است خواهد نمود من برخلاف دستور  
خود بموجب نوشته سنج ربيع الاولی بر عهد خود گرفتیم  
و جمیع تعهدات خود را چه در باب برات و چه در خصوص  
ترضیه سفارت دولت انگلیس لقبول التوا تو م فرمودم  
ختم نمودم با وجود اینکه گذشت من و با وجود حصول مقصود  
دولت انگلیس باز آنجناب در رفع برودت فیما بین من  
بیشتر گذشت سهل است بخوانید در باب قبول تعهدات مرا از  
جانب دولت انگلیس اعلام نماید بنا بر این لابد شدیم که اعلام کنیم  
ربیع الثانی را با آنجناب رسانیم و در آن ضمن اظهار داریم  
که اگر دولت انگلیس تعهدات مرا بجهة رفع برودت فیما بین کافی  
بدانند من حاضر هستم که آنها را مجری بدارم ولی اگر کافی نگردند  
تعهدات من بر وجهی باطل خواهد بود و من تا یک هفته دیگر از  
روانه خواهم شد چون جواب اعلام من برودت بعد از چند روز انتظار  
باینجناب نرسد مضامین آن را دوباره بموجب اظهارات مورخه  
یازدهم ربيع الثانی بخاطر آنجناب آوردم و بامید اینکه  
جواب کافی برساند غنیمت خود را چند روز تا خبر از احوال  
با وصف اظهارات متواتره من تا امروز که پانزده روز از تاریخ  
اعلام من فرود گذشت است اصلا از آنجناب جوابی که بایده  
باشد بدو نرسد بلکه از تقریرات نامیابان شایسته  
درین باب جوابی من نخواهد داد در اینصورت بدین است که معطلی  
بیش ازین در اسلامبول حاصل نخواهد داشت بنا بر این خیر است  
که بجهة اعلام پنجم ربيع الثانی من و با اقصای سکونت آنجناب

جواب اعلام من فرود من روز غنیمت استیم انجا از اسلامبول روانه  
خواهم شد از مضامین مسطور و از اقدامات سابق من معلوم است که آنچه  
فوقه من بود در اصلاح برودت فیما بین من و تو م نمودم و در حفظ  
دولت انگلیس استعدا با آنجناب همسر ای کردم که آخر الامر بهر التوا تو م  
دولت انگلیس را که از جانب دولت ایران رسیده بود من بر عهد خود  
گرفتم بواسطه آن تمام مقصود دولت انگلیس را عمل آوردم بدین است  
که مقصود از جمیع این تعهدات من رفع برودت فیما بین بود حال  
تعهدات مقصود من بر وجهی نماید بکلمه اعلام مورخه پنجم ربيع الثانی  
همین نوشته هر تعهدی که کرده ام جمیعاً با این کلمات من میباید  
برودت فیما بین را در هر حالتی که قبل از ورود من بود در آن حالت با  
یکبارم و این واضح است که غنیمت من از اسلامبول بهوجهی  
مستقیم نخواهد شد زیرا که اولیای دولت ایران بر من سابق خود  
دوستی دولت انگلیس است و ما تیر و اختیار من در اصلاح  
فیما بین باقی است هیچ شکی نیست که اولیای دولت ایران مراتب  
صلح جوئی خود را چه تو م من چه تو م ما مورد دیگر چه در اسلامبول  
در لندن و چه در جای دیگر با اولیای دولت انگلیس خواهند رساند  
اعلیحضرت شاهنشاه ایران تا بتواند راضی نخواهد شد که قدر  
دولت انگلیس در نظر دولت ایران محو گردد و فی سیم شهر ربيع  
۱۲۷۳ تا اینجا کاغذ جناب این الملک بود  
چون دولت انگلیس بر تکالیف شاه خود شش درجه بدرجه افزوده  
و در حینیکه فیما بین دو ایچی کبیر و سمن در اسلامبول مکالمه  
و جناب رفع برودت بود متشون انگلیس بدون اجبار و اعلام  
جنک حمله بر بندر بوشهر خاک ایندولت آورده آنجا را گرفت اولیای  
دولت علیه ایران با علی در کمال از این الملک اظهار رضایت  
نمایند که در این خصوص خوب حرکت کرده و این کاغذ را که آنجناب



براشد و دیگری اینکه با وجود آنکه نزدیک بدستنی است  
 فاین دولت انگلیس و ایران را یکی بگیرد این فرخ خان بنا بر  
 مسیو پوره روز فرانسسه مانند ایچی از جانب دولتی دست  
 تعارفات باشکوه زیاد بجهت دولت فرانسه میرد و صبح آن  
 اعمال را چنان معنی می بینیم که امیدواریم مسیو پوره معنی  
 منازعه پادشاه ایران را با انگلیس منظور رفتن قشون ایران را  
 بهرات تلفت است پس از دانستن اینکه رفتن قشون بهرات  
 متحرک روس بوده از برای دست اندازی به بند و این  
 منع او امید داریم که مسیو پوره در سایر صاحب منصبهای  
 انکار خدمت ایران را نخواهد کرد و در باب فرخ خان که  
 میکنیم آنچه گفتیم در وقتی که خبر ورود او با مسلامبول رسید  
 اگر مسیو پوره نل ایچی فرانسه متعیم مسلامبول بقدر زنده مانده  
 توفیق و تخریب او شود یا اینکه رفتن او را بفرانسسه آن  
 به مدت وقت دولت فرانسه تا یک حدی ضامن خواهد بود  
 در باب امر از یادیکه پادشاه ایران در دشمنی با انگلیس  
 خواهد داشت نتیجه بدی که از این عمل بجهت ایران ظاهر خواهد  
 جواب روزنامه مرین بن انگلس که در  
 در ضمن روزنامه موسوم کونسی نویسیونل چاپ  
 شده است تفصیلاً که در روزنامه انگلیس نوشته و ما  
 روزنامه گذشته خود تفصیل داده بودیم یکی از روزنامه های فرانسه  
 که کونسی نویسیونل نام دارد باین نحو جواب میگوید که مسیو پوره  
 معیم ایران زیاده از دولت نیست که در آنجا است و او در وقت  
 روس بود که بد جهت مأمور با ایران شد اول اینکه دوباره  
 به بدوسی فرانسه و ایران را که سابقاً نیز بوده و تمام نماید  
 سنجاری را که مسیو پوره میرا تید کرده بود و دوم آنکه مانع شود از

ایران را نماید و نمودن از روس با اقلای طرف مدنی ایران  
 در آن و عوارض قرار نماید و این وزیر بخوبی از عهد مأمور خود را  
 ولی در بعضی کیفیت که اعتبار چندانی نداشت انگلسانی چند  
 بر این فقرات ظاهر شد وزیر انگلیس مستر مور زراعی شخصانه با دولت  
 ایران بهم رساند که گفتگوی در آن باب را هیچ لازم نمیدانم زیرا که  
 این فقره هیچ دخلی به انگلس نداشت ولی مایه رفتن مستر مور  
 ایران شد درین خصوص مسیو پوره چه کرد و لایحه چند را در  
 مسیو پوره نهایت سعی را در ماندن مستر مور بظلمت آن کرد و  
 او مفید نیفتاد و دولت او بی ثمر ماند زیرا که کالیف مستر مور  
 ایران جبر محض بود مستر مور از محل خود دلگشا شده تقصیر  
 بکردن مسیو پوره وارد آورد و درین باب بد دولت خود اظهار  
 داشت و دولت فرانسه مسیو پوره حکم کرد که هیچ چه با خود  
 انگلیس با ایران نکند لهذا مسیو پوره خود را از داخله این فقرات  
 نمود لکن حال مسیو پوره را معصمه میکنند از اینکه جانب واری  
 کرده و درین پست درین خصوص باین پنج کتاب میکند اول  
 مسیو پوره دولت ایران را در باب قشون فرستادن بهرات  
 هیچ چه مانع نشده است جوانب این کتابت را بجهت تو انیم داد  
 فرانسه نمیدانند که دولت فرانسه منافع انگلیس را در آن  
 و دلیل داریم از احتمال دادن اینکه مسیو پوره نهایت سعی را در  
 بد دولت ایران نمود که قشون بهرات نفرستد ولی بی اثر بودن  
 نباید مایه تعجب شود زیرا که کسی میداند که درین قسم وقایع  
 و دلتهای بسیار چه حدی در رای خود و اینها نیز ایضا  
 مرین پست که دی پلوماسی با مطبوع دولت ایران بخانه بود  
 ولی قیونیم احتمال داد که خیال خود دولت انگلیس بر خلاف این  
 مأموریت ایچی فرانسه از جانب دولت خود بصورت دولت انگلیس

۲۰۴۱



و اعداد و دستاورد وزیر انجلس مایین شد که دولت ایران  
 ایچی را خوب پذیرانی کرد و ایچی ما التبه این محبت را فراموش نکند  
 و حرکتی هم کرده است که خلاف دوستی فیما بین دولت ایران  
 باشد شکایت دیگر مرین است از فرار یکدیگر و وفور عمده است  
 یکی آنکه مسیو بورد صاحب منصب فرانسه که محکوم علم مسیو بورد  
 بهرات رفقه با عمل محاصره آنجا پرداخته و دیگری آنکه با وجود  
 نزاع دولت ایران با انجلس فرخ خان این الملک بنا بر آن  
 مسیو بورد با اسم ایچی کری روانه فرانسه شد و تعارفات  
 زیاد و بجهت آن دولت مسیو بورد فرخ خان را حاضر  
 جمع کرده است که دولت فرانسه پذیرانی خوب از او خواهد کرد  
 جواب این شکایت این است که صاحب منصب فرانسه بفرمان  
 سال قبل ازین نوکر ایران شده بود و آنوقت بنوع تعاقب فیما بین  
 انجلس و فرانسه که بجهت دعوی رسوب تعاقب نیفتاده بود و مسیو  
 بورد با ایران رفقه بود مسیو بورد را که نوکر نبودنش در دولت  
 فرانسه بر کسی معلوم است دولت ایران منصب سر یکی در فرج  
 هندس داده و ناموریت او را بهرات انجلس مطلع نمود و حال  
 خودش ولی بعضی اینکه مسیو بورد رفقه او را بهرات مطلع شد  
 مراحت کردن او را از بهرات خواستش کرد و چندین کاغذ  
 فیما بین او و صدر اعظم ایران درین باب رد و بدل شد  
 واضح است بچه سببها خوش مسیو بورد درین باب قبول  
 یکی آنکه مسیو بورد نوکر ایران بوده و دیگری آنکه در قشون ایران  
 کسیکه تواند از عمده اعمال عمده محاصره بهرات بر آید مسیو  
 نبوده است اما در باب ایچی ایران که مرین است شکایت میکند  
 ما را خاطر جمع کرده اند که دولت فرانسه بهر چه از او خواستش  
 کرده است که برود بفرانسه ولی سفیری با ایران فرستاده

۲۰۴۲

عهد نامه تجارتی بسته است و دولت ایران درین وقت  
 خوب یافته از برای اظهار نمودن دوستی خود را نسبت به  
 فرانسه و انکلی را بطه ما با ایران تازه نیست بلکه کسی میداند  
 که از عهد نوئی ۱۳ است داین را نیز تعین فراموش کرده است  
 که رابطه دولت فرانسه با دولت ایران در عهد ناپلیان  
 بوده است و اسم این پادشاه چنانکه در عهد علی مشهور است  
 ملل بسیار که بازنده است لهذا تعجب نیست که میل قلبی پادشاه  
 ایران محض و بیاد شده باشد با دینار رسم و قاعده مسیو  
 محل تعجب نیست که پادشاه ایران تعارفات و مکالمات صحیح از  
 برای جائین چنین ناپلیان بزرگ نموده  
 در روزنامه بلجیقا تاریخ ۱۸ ماه ریح الاولی این  
 تفصیل نوشته شده یقین است که فرانسه  
 شاق انجلس را مطیع نخواهد شد و نوعی نخواهد کرد که جمیع منافع  
 و سنی انجلس را مخصوص شود خصوصاً مسئله ایران و این  
 یقین است که زیاد خواهد کرد لهذا فرخ خان بفرانسه خواهد  
 و دولت فرانسه پذیرانی که موافقشان است از او خواهد کرد  
 یک کاغذ پاریس که تاریخ ۱۷ شهر ریح الاول نوشته شده است  
 میگوید که جواب روزنامه کونستی تو سیونیل بر روزنامه مرین است  
 بنا بری دولت فرانسه شده است ایچی انجلس مقیم مسیو بورد  
 علی الاتصال در اخلال کار فرخ خان میگوید و چنان معلوم  
 که با دولت خود هم رای شده است که حتی الممعه و رنگه از ایچی  
 ایران را بفرانسه برسد اخلال میدهند که پادشاه ایران این  
 سفیر موضح را بفرنگستان میفرستد از برای اینکه اطلاع درین  
 از چگونگی و تسبیح دعوی کریمه و حالاتی که از برای دولت فرنگستان  
 در باب این دعوی میاید از برای این کیفیت در طهران نمیتواند در

رتبه روزنامه که در پاریس انطباع شده  
 در جواب روزنامه مریین است انگلیس  
 خدای بجهت فرانسه مهیا نموده آنچه لازم است از برای یک دولت  
 عظیم و بی صیغ عالمک روی زمین را از برای خود جناب نمیکند  
 میخواهیم که قدرت ما صیغ بر وجه افروخته کرده این ضعف  
 مستقیم و مردانه فرانسه است میخواهیم که اینک محل اعتماد  
 در عالمی که تربیت یافته اند خصوصاً منظور این است که دولت  
 فرانسه تحمل شود در صیغ مملکت غلبه خارج با حوض کبریا  
 و ما حرفی نداریم که دولت انگلیس سلطت سحر را در دولتی  
 اولین دولت بر است و تسلط احدی بر سحر خود قبول  
 در این زمین که سلطت میکند بواسطه قوه خیالات عقلی  
 و آلات قوه طره مملکتی که خداوند با وحمت نموده و  
 صفت است که لونی کا تر و ناپیان بزرگ داشتند و  
 صفت را جمیع خلق فرانسه باید در قلب داشته باشند با و در  
 این صفت است که بدولت فرانسه در هر حالت که باشد  
 آیا این حرفش نمانی اتحاد با دولت انگلیس است نه ما کمان  
 نمیکنیم بلکه چنان میدانیم که این صفت موافقت میتواند کند  
 با دوستی قلبی حقیقی که فیما بین دو دولت بزرگ که قوت و قدرت  
 یکدیگر را شناخته اند باید با ولی با وجود این یقین داریم که  
 این اتحاد و وفق درست نخواهد داد با خوبی شکم امیر مذکور اگر  
 انگلیس استحقاق اتحاد و دولت فرانسه را میخواهد و طالب دوام  
 اوست و مایل است که این اتحاد را ملت و دولت فرانسه  
 قبول بکنند باید که در فقرات مربوطه یا ابتدا نماید بدو  
 میل تسلط و حکم را از اینکه بگوید که من میخواهم و من میکنم چنان  
 می بینیم در هر آن ظاهر میکند در روزنامهها و حرکات دولتی

خود این سخنان را قبول میکنیم بلکه نباید از آن بدیم که  
 در هیچ جا از روی زمین این را جاری نماید انگلیس اقل  
 اوقات متحد بر این خواهد که معاون بزرگی یا اسباب فتح  
 و نصرت یا التسلط او نباشد نباید فرانسوس کردیم  
 که چند روز قبل روزنامه شمس بیان کرده بود که ما دوست  
 هر که باشد میخواهیم در حالتیکه خادم بی تیک با ما  
 اگر این است فی الحقیقه خیال دولت انگلیس با هرگز این  
 قبول نمیکنیم فرانسه قبول این نوع اتحاد را نمیکند  
 بلکه نمیتواند تحمل شود که چنین اتحادی در اطراف او  
 و روی زمین را فرو گیرد تسلط و قیاس که غنویت  
 فرانسه کرد و دولتی یقیناً انگلیس سهو کرده است از اینکه  
 بزرگی خود را بسته به سختی حد و تصرفات و تسلط خود  
 دانسته است جمیع اولیای معتبر او او را ناصح شده اند که  
 ندی از برای آن دولت خود بگذارد بی تیک و قانع  
 که دوام نخواهد داشت بواسطه سحر یکا آخرین دعوی  
 مشرق زمین ظاهر شد و این بی تیک زود تر از آنکه لازم  
 پارلسن تحمل خیال میکند با آنها خواهد رسید قبل از دعوی  
 وقتی که منظورات ناحق روسیه مانیه و اتمه صلح یورپ  
 شده بود میخواهیم که این اشکالات بدون جنگ تمام  
 شود زیرا که میدیدیم در همان وقت که بخواهیم این دعوی  
 مانیه از دیاد اقتدار دولت انگلیس خواهد شد در دریای  
 مدی ترونه و مدخلیت در امورات دولت عثمانی منجر  
 خواهد کرد به اما حال بظهور نرسیده آنچه ما خیال کردیم  
 از بحیره اترالی انتهای دریای سیاه کشتی های جنگی  
 که حرکات نصرت آنیر میکنند بعضی از این کشتیها در نیجا

۲۰۴۳

این کتیبها می افزاید و آنکه قشون ما در مشرق زمین بود  
انگلیس کم شده بود ولی حال اقتدار او زیاد تر از قدیم  
انگلیس از برای ثبوت اقتدار کتیبهای جنگی خود را نموده که  
بماند چند بدت آورده نسبت بدولت روس در خصوص  
صلحی که در پاریس شده ولی اصل منظور این است که ایران  
و جمع ملل اطراف نند و غمناک بر حسب عالم معلوم نماید که  
انگلیس خود در سلسله است بر جمع مشرق زمین و با تمام باید  
اوراد داشته باشد و اگر قشون او در دعوی زیاد از دیگران  
شهرت نکرده ولی نتیجه حاصل دعوی از برای او شده است  
ما را مطمئن میکنند ما نیز امید داریم که جمع اشکالات مشرق  
تمام شوند ولی و آنچه داریم که بعد از کتیب این عقد  
دیگر بهم رساند زیرا که می دانیم که انگلیس داخل حانی شد پس خود را  
نیخواهد بیرون آید بنا بر علی هذا معلوم که آنچه خود چه شروط ما  
انگلیس را میجوئیم متحد با انگلیس بشیم ولی نه معاون و نه  
او ما خویش سلطنت روی زمین را نداریم ولی میخواهیم  
که در یورپ گرفتاریم از دست ما بیرون نماند  
و نیز در یکی از روزنامه های پاریس پرس نام نوشته اند که  
اولاد جزیره خارک بلکه در ابو شهر نیز یک محل تجارت برقرار  
گامیا از برای هند را می بهم رند که بجز خود دشمنی دیگرند  
مانند مخصوص خود را می این درست نماید در صلح دیگری برای  
فرات و بیوند رود مذکور از کتیبهای بخار را با سلطنت  
مخصوص خود کرداند و خارک و ابو شهر را قلعهاست حکم نماید این است  
منظور و آنچه انگلیس ملی ما فراموش نکرده ایم عهدنامه خارک

اسلامبول اند و برخی در بحر سیاه قدری در جزیره مالتا  
میا شدند چنانچه نظر انداختن در مملکت سیلیا و آنا فانا بعد  
این کتیبهای افزاید و آنکه قشون ما در مشرق زمین بود  
انگلیس کم شده بود ولی حال اقتدار او زیاد تر از قدیم  
انگلیس از برای ثبوت اقتدار کتیبهای جنگی خود را نموده که  
بماند چند بدت آورده نسبت بدولت روس در خصوص  
صلحی که در پاریس شده ولی اصل منظور این است که ایران  
و جمع ملل اطراف نند و غمناک بر حسب عالم معلوم نماید که  
انگلیس خود در سلسله است بر جمع مشرق زمین و با تمام باید  
اوراد داشته باشد و اگر قشون او در دعوی زیاد از دیگران  
شهرت نکرده ولی نتیجه حاصل دعوی از برای او شده است  
ما را مطمئن میکنند ما نیز امید داریم که جمع اشکالات مشرق  
تمام شوند ولی و آنچه داریم که بعد از کتیب این عقد  
دیگر بهم رساند زیرا که می دانیم که انگلیس داخل حانی شد پس خود را  
نیخواهد بیرون آید بنا بر علی هذا معلوم که آنچه خود چه شروط ما  
انگلیس را میجوئیم متحد با انگلیس بشیم ولی نه معاون و نه  
او ما خویش سلطنت روی زمین را نداریم ولی میخواهیم  
که در یورپ گرفتاریم از دست ما بیرون نماند  
و نیز در یکی از روزنامه های پاریس پرس نام نوشته اند که  
اولاد جزیره خارک بلکه در ابو شهر نیز یک محل تجارت برقرار  
گامیا از برای هند را می بهم رند که بجز خود دشمنی دیگرند  
مانند مخصوص خود را می این درست نماید در صلح دیگری برای  
فرات و بیوند رود مذکور از کتیبهای بخار را با سلطنت  
مخصوص خود کرداند و خارک و ابو شهر را قلعهاست حکم نماید این است  
منظور و آنچه انگلیس ملی ما فراموش نکرده ایم عهدنامه خارک

هفت سال قبل ازین سیو پیرو لکار پرواز فرستاده که در بعضی جزیره  
با کریم خان پادشاه ایران بسته است و در آن عهدنامه جزیره  
از آن دهنه شده است  
ایضا نوشته است که خبری ملکه افیک از اسلامبول پیوست  
داده اند که فرخ خان چون توانست با ایچی انگلیس قرار کار کرد  
ایچی انگلیس فرخ خان تکلیف کرده است که از برای رفع این  
کدر تنها یک سفید مهربانه من

جناب بشارت و ایالت نصاب سید سعید خان امام حشام  
ملاحظه صدق و صفای نیت خود که نسبت بدولت ابد  
علیه وارد و عیب عریضه بحضور آمدن سالیون اعلیحضرت شاهنشاهی  
در سید باولای دولت بنویسد و مصحوبان مخصوص  
متحد خود با پیشکش و هدایا ارسال در بارش کتیبها رسید  
و از جانب سنی ایجاب تقدیر سالیون لوازم انکسار و از طرف  
اولیای دولت ابد معرون هم مراسم محبت و دوستی نسبت  
بجانب معری البه مندولی می اقتدار آنکه این اوقات عریضه  
در سله بحضور سالیون و اولیای دولت ابد معرون عرض  
و مصحوب عالیجاه عزت و سعادت سمره حاجی عبدالکلام  
با پیشکش هدایا بتفصیل ذیل ارسال داشته بود عالیجاه

پیشکش حضور سالیون

تبریح مرورید اعلا	اسب نجیب	لوازم اولاد طلا کوب
کبک	اعلا	ما جبه
تعارف جناب اشرف	احمد ارفع صدر اعظم	
ساعت طلا مرصع با لباس	شاه شکر	اعلا
کبک استغاف	حکومت	
عقبه اشوب	اسب عرب نجیب	
یک قوطر		

۲۰۴۴

چندی قبل وارد شد پیشکش و عریضه حضور جانان را ابدا  
 داشت و شرفیاب بیگاه اقدس علی گشته مورد توجهات  
 ملوکانه آمد و بخدمت جناب شرف امجد رفیع صدر اعظم  
 کشته مرسله و بدیاری مصحوبی خود را بخدمت با جلالت  
 و مورد دکریم و مهربانی از جانب صدارت عظمی گردید و  
 مشارالیه خود آدم قابل و صاحب معرفتی است و از رسوم  
 و ادب و طریقه معاشرت کمال آگاهی دارد از جانب جناب  
 امام مسقط علاوه بر شایستگی ابلاعی حامل عریضه و  
 شفاعتی نیز بود که همه آنها دلیل کمال صدق عقیدت و  
 هواخواهی نسبت باین دولت است اولیای دولت بنا  
 دارند که ما و ام توقف او در دار الخلاء کمال راقبت را  
 او به همه جهت بجز آوردن و در مراجعت نیز بطور شایسته  
 انصاف بدهند

از اینکه قیمت قند و شکر و ادویهجات این روزها در  
 دار الخلاء فزونی کرده است میتوان اعتقاد کرد که بعضی  
 و کسب کم نایست فطرت بی اطلاع چنان تصور کرده  
 که مخاصمه انگلیس با دولت علیها باعث شده و خواهد شد که  
 منبوره از بند و ستان بخاک ایران نیاید بر چه پیشوند  
 قند و شکر و غیره را انبار کرده با انتظار کرانی خواهند بود  
 که باین وسیله منفعت کثیف ببرند و آتار راه تجارت و  
 آوردن شیشا و منبوره انحصار بپوشد و همیشه و تجارت  
 انگلیس ندارد از بغداد و سمس ارزنه الروم و سمسبول  
 سایر هم آورده می آورند تا نیاید دول دیگر هم از قبیل  
 و امریکای و سایر از راه بحر العجم تجارت با این دولت دارند  
 و تجارت این دولت سمس از قبیل حاجی محمد حیم تا جرد  
 شده

و سایر با ولایت و لذت تجارت و آمد و شد دارند  
 چنانکه همین روزها سخته حاجی محمد حیم شکر و ادویه  
 از ولندیز داخل خاک ایران شده است البته تجارت و کسب  
 با بعضی و با اطلاع هر که اقدام باین امر را بیک شخص  
 مثل سابق هر چه دارند میفر و شنند و میخرند و موافق  
 اعلام نامه دولتی نباید احدی از تجارت و کسب  
 قند و شکر و ادویهجات نماید در صورتیکه معلوم شود  
 اقدام باین کرده است البته مورد مواخذه شده تر  
 از او گرفته خواهد شد

سایر ولایات

کاشان از قوا ریکه در روزنامه کاشان  
 نوشته اند بعد از زیارت فرمان جهان نظام جانان  
 تعلقه جناب جلالت شرف رفیع صدر اعظم  
 حرکات مشهوره از قشون و مجلس و تصرف بندر ابو شهر  
 شرف صدور یافته بود عالیجاه مقرب الحضره انخا قاشه  
 محمد حسن خان حاکم کاشان جمیع مالی شهر را اخبار کرده از عالم  
 و فاضل و اعیان و شراف و تجار و کسبه بعد با زنده  
 جمعیت در مدینه سلطانی مجتمع گردیدند و فرمان مبارک  
 مبار خوانده شد بعد از اطلاع خلق از مضمون فرمان جانان  
 انحصار از حرکات ناشایسته انگلیس چنان شورشی در خلق  
 که کوفی قیامت موجود انگار شده تمام خلق مشفق القول  
 از جان و مال میگذریم و در پای دین و دولت غل  
 ایشان را بنماییم این ولایت عجم و علمای بلد و طلبه و  
 مصمم بودند که شیره جناب حضور اولیای دولت علیه شده  
 فرمایش نماید بجهت لعل آورده شده

۲۰۲۵

### اخبار دول خارجی

قانون دولتی جمهوری نیکی دنیا این است که کس از بجه  
 خارج بخواد در تحت حکومت و حمایت جمهوری مزبور در آید اول  
 باید پختال در اینجا قامت نماید و درین مدت اصلا خلاف قاعده  
 از او هیچ وجه نظر نشود بعد از آن بشهادت جمعی از اهل ولایت  
 خودش ثابت نماید که در ولایت خود نیز بی حقیقت مرتکب قتل  
 و تعدی نشده است الوقت با او با بورت میدهند و او  
 حمایت جمهوری مزبور میشود چند وقیست ازین شخصی با چند نفر  
 با بخارفته و تا پختال قامت کرده بود و درین مدتی هیچ وجه  
 از او خلاف قاعده سر نزده بود بعد از آن خواهش با بورت  
 از جمهوری مزبور کرده جمهوری نیز مقتضای قانون خودش  
 از همزمان او در مقام تحقیق احوالش برآمد و بودند سرمان او  
 نیز در مقام قوت و شجاعت او برآمده فقراتی که دلالت بر تعدی  
 و شرارت او میکرد بیان نموده بودند از جمله گفته بودند که وقتی  
 جمعی با هم نزاع میکردند این شخص آمده همه آنها را زد و از میان  
 آنها یکی که قوتش از همه بیشتر بود بطوری زد و مجروح کرد که بجای  
 ملاک افتاد جمهوری نیز بعد از استماع این فقرات اشارت  
 همزمان او را بجه محاکمه کلا بجهس انداختند و این گذارش  
 سبب خنده شنوگان شده و در روزها نوشته اند  
 در آن پانزده راه آهن پاریس بعضی از مالی و جده نقد برسم انست  
 که داشته بودند چهار نفر از عیالات راه آهن و چند مزبور را با لاف  
 سرقت کرده فرار نموده بودند و پانزده تن حاضر شده این گذارش  
 اجبار و از رفتن سابقین پاریس بونی برده بودند چند نفر مستحق  
 که پولیس بنامند و عقب دزدان پاریس روانه کرده در اینجا  
 جستجوی آنها برآمده دزدان از اینجا نیز فرار کرده بجهت نیکی دنیا فرستاده

۲۰۴۶

مستحقین هم و عقب آنها رفته سه نفر زیاد است آورد بسیار  
 آورد و یک نفر که بزرگترشان بود بدست نیامده بود یکی از مستحقین  
 مجدداً به نیکی دنیا رفته خیلی خواه کرده و بسیارند آبرورد  
 او نموده تا اخر در باغی او را بدست آورده بود مراتب غیرت شده  
 مستحق مزبور چون مستحقان در روزنامه پاریس نوشته بودند  
 در شهر انقوه که در زیر حکومت پای پای روم است چند وقیست  
 زدی در جانی کسیر بر سر کسیر در درین مستحقین سید به هر دو  
 گرفته مدار حکومت آورده بودند دیوانیان در مقام تحقیق برآمده  
 نسبت شرکت خود را با بانه بر نمیکرد و داده حکم بقتل هر دو کرده  
 مشارالیه را سیاست گاه بردند آنکه مظلوم بود اصلا اظهار غلظت  
 واضطراب نمیکرد بلکه قطع داشت که بی تقصیر با سیاست بود  
 و از این مقوله گفتگو میکرد تا در سیاست گاه خود در زندان  
 مظلوم را کرده و گفته بود که چون دیدم خودم گرفتار شدم اول  
 شکر است منم کردم با بجه مظلوم بجا رخص کشته و از جانب پای  
 حکم شد که بعد ازین درین گونه دعای وی وقت زیاد بشود که بگونه  
 استباه کار بجا بطور نیاید



دولت علیه السلام در صد دوازده است محمد خواجه بود بنا بر نامه جواد و عهد کثرت و نجات قده خوابید بیدار شود  
 و خورشید کان صد ایچنه ریخته که هر یک از طرفین باعث ظهور این بنگار بزرگ شد کار او محول بقدر مشیت خود  
 خواهد بود و اینک از فرمان برداران کاتبان که در حضوره و توخانه و اسباب دفاع و شرفی در آن کاتبان و شوالیه  
 منقبت آن امیر الاملاء العظام میرزا محمد خان کشیک پسر دربارها لغت و مقربان قان عثم الاملاء العظام فضلخان بکلی  
 امیر تومان با همه لذت و امور در روانه فایز شده در روز پنجشنبه چهارم شهر جمادی الاولی با عمال تقصیرات در صحنه از در  
 عازم در وانه محاصره گشته و اگر دولت انگلیس چنانکه در خود قرار داده است در بر خصومت با سبب ثابت در اینج  
 سایر اکن و اطراف مملکت فارس هم شد بیدار ابو شهر خانی باشد و چون دولت انگلیس در آنجا رسد اگر انگلیس خود را اگر سلامت و در دست  
 مضره بیشتر از مملکت را از انگلیس بدارد دولت علیه خواهد داشت

www.KetabFarsi.com





# تاریخ

از قراریکه مقرّب الخاقان شجاع الملک خبر معجل بدربار تاجون فرستاده بود و انگلستانها هشتاد و نهمین جمادی الاخری پنج فوج و  
 عراده توپ نگاه گوناگون چهار فرسخی پوشیده اند که شاید از آنجا هم تجاوز کرده مادام که عساکر متوالیه اسلام بهدیکر ملحق شده اند ایسی  
 بار دوی مقرّب الخاقان شجاع الملک براند شجاع الملک نیز بخایل شدنی به هزار نفر سوار و سیصد نفر سواره و دوازده عراده  
 توپ غلام شیخون دشمن و در شب نهم حرکت کرده کفرسخ از برارجان گذشته بارانی شدید باریدن گرفت قشون انگلیس که  
 یکفرسخ از چاه کوتاه گذشته بودند خود را بمغاری و خوشگلهای آن حوالی کشیدند عساکر اسلام در صحرائی بی پناه برای محفوظ ماندن  
 از صد باران اردوی خودشان را از همه جا نزدیکتر دیدند تا در آنجا اقدام جنگ کردند چون انگلیسها از باران محفوظ ماندند  
 علی الصبح برارجان رسیدند مقرّب الخاقان شجاع الملک نیز شب دوازدهم با سه هزار نفر زبده افواج و شصت عراده توپ  
 تا شب پیش اول قشون انگلیس مخبر شد توپ اعلام انداخت قشون انگلیس زیادوی قویخانه خود را که میدانت با کثرت کل کل  
 نمیتواند بر دشمن زده مرخصت بوشه نمود عساکر منصوره دشمن را تا جالی تعاقب کردند که فرسخ و نیم مابین آنها  
 و اردوی بوشه انگلیس افت ماند از اردوی انگلیس دو فوج جدا جدا سوار و ده عراده توپ دیگر با دوازده وقت بر گشته بنا  
 جنگ کردند اردوی عساکر منصوره با اینکه پیش از سه هزار نفر و شصت عراده توپ بود باز از عدد و عدت حضرت پروا  
 نکرده هنگامه قتال را گرم نمودند از طلوع شفق تا چارعت و نیم دلیرا جنگ میدان کرده دو مرتبه نیزه پیش قدمه نظامی آنها  
 گشته داخل با فوج انگلیس شدند و در سینه و آویز کوشیدند از قراریکه نوشته اند افزون آمد کور بوده که جنرال استاکر در  
 انگلیس اول وارو بوشه شده بود در آن بین کشته شد اما خبر صریح نیست که محل وقوع باشد اما بعد چه طور کند و از  
 سر کردگان این طرف عالیجا محققینان سیرت شیر خرم ساچمه توپ برشته و عالیجا علیخان سیرت تراکوز  
 وقت داخل شدن قشون انگلیس زخم شمشیر سید است و ولی سیدالدین چکام ایسی نوشته اند چون شدت باران  
 طرفین را از کارزار بازداشت لایب هر یک بطرف اردوی خود مرخصت نمودند حتی از شدت بارش پس بعضی  
 از توپهای طرفین در کل ماندند و مقتولین طرفین را هم بواسطه شدت انقلاب هوا تحقیقا نمیتوانستند تشخیص دادند  
 استصد و تا یکبار نفر عد و مقتولین انگلیس و از شصدها پانصد تا سیصد نفر عد و شصتای قشون اسلام را نوشته  
 خبر صریح و صحیح را امیر الامار العظام کشیکباشی که الی حال البته بار دوی جنگ سید است خواهد نوشت  
 تعالی در انشا ز نامه آینه علی التعمیر نوشته خواهد شد

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج بوم خنبد و نیم شهردی الثانی مطابق لوی نیل ۱۲۷۳

سنتبه دارا خلاق طهران

مزه سید و سیزده

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر خطی در

هر نسخه ده شاهی



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارا خلاق طهران

اعلیحضرت قوی شوکت شاهی دامت شوکتها که پسر  
فرمای شکارگاه جاجرد شده بودند روز در آنجا  
توقف و تفریح و شکار فرموده در روز یکشنبه گذشته  
دو ساعت بغروب بانه تشریف فرمای دارا خلاق مبارکه  
گردیده بمقر سلطنت عظمی نزول اجال فرمودند و هوا  
دارا خلاق طهران هم با قضای موسم بسیار خوب است  
چند روز بارندگی کامل که زیاده بجهت زراعت و حاصل  
بود شده و بعد از آن هوا را بمقتضای فصل سرد کرده  
سیخ چالها سیخ میکیند

رحمت عظیم خود محض قرب و منزلت آن بزرگوار و در  
نور سی بدیدهای آن ضعیفه عاجزه عطا فرمودند که برایت  
اول روشن تر شده اینمغنی سبب مزید اعتقاد مسلمین  
مشاهد مقرر که گردید  
از فرار یک در روز چهارشنبه غره جمادی الثانی بعض اولیای دولت  
مقرب انخاقان حسین خان شایسته سرتیپ که از دارا خلاق  
حامل خزان و خلایق عاجزه و بیابانهای مرجع و طلا و شیر و کار و خنجر  
و غیره بجهت ردوی هر سه بود روز یکشنبه جمادی الاولی از منزل محراب  
روانه تر شمشیر جام بوده است قریب پنجاه سواره ترکان که مقتدر  
سواره ترکانان حسنی و آخال و قریاب بوده اند غلغله ریخته اند  
سواره پاره او با بچه سرتیپ همراه نبوده عقب مانده بوده اند  
با چند سوار یک سواره داشته عمل بر ترکانان آورده کینفر اسپر کبر  
بقتل آورده و تتمه منبرم شده اند بعد از ساعتی قریب شصت سوار  
که از حسنی و آخال و قریاب غیره بجهت تا صبح خزان و قشمت و  
مصحوبی مقرب انخاقان حسین خان مسموم و او طلب شده بودند  
شده مقرب انخاقان مشایر الیه سواره و پیاده و توپخانه او با بچه

۲۰۵۱

خود را که از عقب رسیده بودند در آنجا گذارده و خزانة و بنده  
 نمودند و معاودت بجهت آباء که قریب نیم فرسخ از آنجا دور  
 بود کرده خزانة و بنده را در آنجا گذارده مراحت بطرف سواره  
 کرده است و با توپ و سواره و ده حمله سواره منور کرده است  
 قریب پنج فرسخ راه آنها را تعاقب می کرده شکست فاحش داده  
 و رانده است تا کنار رودخانه که در آن حوالی است توپها را در کنار  
 رودخانه در محل مرتفعی جای داده و خود با سواره داخل تپه گردان  
 شده و جمعی کثیر از آنها زخمی و مجروح و قریب یکصد نفر اسیر  
 بقصد نیزه سر از آنها گرفته و مجموع اسیر و اموال دکان و کوه  
 که انجام و هزاره آن اطراف تاخت کرده و قبل از وقت در آنجا  
 جا داده و پنهان کرده بوده اند از آنها استرداد کرده و یکصد  
 پنجاه رأس اسب نیز از آنها گرفته بقیه تسلیف بعضی از زود  
 و بعضی از راههای دیگر گریخته و متفرق شده اند قریب و بنده  
 مشایخ را با غنایا بمنزل خود وارد شاه است و اسبیکه  
 با اتفاق مقرب الخاقان مشایخ را در ت و جلادت کرده اند  
 نشان و خلعت و رتبه آنها مسمت خواهد شد از قرار تفصیل است

عالیجاه لطف اللدخان سرکرده عالیجاه فرج اللدخان سرنگ فرج  
 سواره شاهسون دویرین و عجم و سربازان  
 سواره ابواجیمی او

عالیجاه محمد اللدخان سرنگ فرج عالیجاه علیقلی خان غلام محمد  
 شقایق و سربازان

سواره جامی جمعی عالیشان و غلامان پادشاهی که همراه مقرب الخاقان  
 و نصر اللدخان سر تپه بوده اند

از قراریکه عالیجاه مقرب الخاقان عمده الامراء العظام حفر قلجیان  
 الیخانی حاکم استرآباد و بخور و عریضه خدمت اولیای دولت  
 علییه نوشته بوده او خود پنهان سربازان سواره ترکان و بیوت

که سابقاً بنا بود بر کباب عایون بیاید و دفاعت کرده و خود  
 طوائف مزبور بهین قدر خدمت و جانفشانی اکتفا نموده اند  
 بلکه تمت و ارادت مقرب الخاقان مغزی البید و غیرت و محبت طوائف  
 ترکان و بیوت قضای ریاچه برایشان نموده شش هزار نفر  
 سوار بکار از همه ایلات و طوائف در نزد الیخانی مجتمع در کابل  
 میل و غیبت و او طلب خدمت مستند و از انظار که الیخانی صراحت  
 بموجب عریضه خود با لیاای دولت علیه معروض داشته بود  
 سوار بیوسان داده و حاضر و امانا هستند و در روز چهارم  
 این ماه جمادی الاخری با خود الیخانی از استرآباد بجانب  
 دارالخلافه حرکت کرده در کباب عایون بزودی حاضر خواهند  
 شد که بهر جا از سر حدت مالک محروم شده معترفند و در نزد  
 و ریاست الیخانی روانه شده مشغول خدمت و جانفشانی باشند  
 و البته بعد از چند روز دیگر مقرب الخاقان الیخانی با شش هزار  
 و او طلب جنگی ترکان در دوازده و ابابا هر یک بمسب الامراء اللدخان  
 بهر جانب که با مورشوند رفته مشغول خدمت و جانفشانی خواهند  
 رسادت و جلادت سوار ترکان در همه جا معروف و مستغنی  
 تعریف است خاصه سربواری مثل حفر قلجیان الیخانی که او  
 شجاعت و کفایت و کوشش و عزم خلق شده است

در روزنامه استرآباد هم نوشته بودند که علاوه بر این سواره ترکان  
 خود امانی استرآباد هم جمعیت کرده و در آنجا میبند که بعزم جان  
 میر با بر کایون بیایند و هم چنین سواره و سنجاقی بخور و عریضه  
 کامل فراسم آورده بودند که مقرب الخاقان الیخانی شکر شده  
 بدر بار جهاندار بیایند

از قراریکه سابقاً با اولیای دولت علیه خبر رسیده بود وقت بیرون  
 نشون مجلس از بند بنگلی محدودی از عسکران لایستی تکتالی

۲۰۵۲

دولت برسم محمود بقی در آنجا خلوی و محافظت کناری را  
 مشغول بوده اند کیفیت را با اطلاع عالیجا و مجد سراه باقرخان  
 نکتستانی میرساند عالیجا پشار الیه سجد استگاف خبر باقرخان  
 نفر تعجبی ولایتی با آنجا حاضر شود اگر چه از جانب دولت علیجا که  
 نظامی خود اذن محاربه با قشون انگلیس داده شده بود لکن چون عالیجا  
 مشارالیه و تعجبیان ولایتی او اطلاع خندان از رسوم و نظام  
 کامل از کتون ادبیای دولت ندانستند چنانکه دیده بودند قشون  
 دشمن از کشتی بصل نقل میکند و محض نمودار شدن عالیجا پشار الیه  
 و تعجبیان او شکیک توپ بروی آنها نمودند عالیجا پشار الیه  
 با قضای شجاعت باطلت عدد و دستن توپ و قشون نظامی  
 سجد دفاع خصم پایش که داشته از طلوع آفتاب تا حوالی ظهر مستقر  
 جنگ میشود مردانه و شجاعانه بدفاع دشمن میردازد عدد و مقوی  
 دشمن را در خبر سابق تا دوست نفی گفتند لیکن از فرار کاغذی  
 از خود عالیجا باقرخان ملاحظه شد تا مخصص نفر قلعه کرده بودند  
 در کاغذ دیگر تا هزاره و نفر نوشته اند اگر چه در توپ و شجاعت  
 موید الله و له طاسب میرزا حکمران مملکت فارس و معرب انخاقان  
 مهر علیجان شجاع الملک سردار کل عا کر فارس تعیین عدد شده  
 اما نباید این کاغذهای عالیجا باقرخان و دیگران بی اصل باشد  
 احق یا و اظهار شجاعت کرده و مشهور اند و عوا نموده است و در  
 از پیران عالیجا پشار الیه که جو انان بسیار شده و شجاع بود  
 بنفاد و نفر از تعجبیان نکتستانی با خیمه توپ انگلیس و رجه شهاد  
 یافته اند اگر توپ و قلی قشون هم سراه عالیجا پشار الیه بود  
 البته با این غیرت و شجاعت که بروز داد میکند است که قشون انگلیس  
 قدرت حرکت بجانب لوشهر داشته باشد این کبر و در خبری که  
 داخل جنگهای دولتی نیست که بان ملاحظه در روزنامه اعلام شود

اما چون مقدمه بود که واقع شده است مختصر آفتی و اظهار شد  
 البته قشون انگلیس از زمین قدر شجاعت قبلی از تعجبیان ایرانی  
 نمودند شجاعت و مردانگی سایر عا کرد دولت ایران را همیشه  
 تعجبیان ما هم از حالت قشون انگلیس اطلاع بهم رسانند و در  
 یکدیگر را از نمودند

**سایر ولایات**

اصفهان از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند  
 ایت و انتظام در آن ولایت حاصل است و نواب مستطاب  
 حکمران اصفهان کمال مراقبت را در انتظام امر ولایت و برود  
 رعیت بعمل می آورند و در حق ما مومنین عا کر مسطور که از  
 در بار جهاندار جانان روانه فارس شده اند در ورود  
 و روانه شدن از آنجا نهایت اعزاز و اکرام را بعل آورده  
 از جمله در ورود و مقرب انخاقان سلیمان خان قشایر سیرنج و درود  
 امیر الامراء العظام میرزا محمد خان کشیکچی باشی و عمده الامراء  
 فضلعلی خان بیکر سکی و امیر تومان و بر سران و صاحب مضان  
 لازم اعزاز از آنها بطور شایسته بعل آورده اند و مقرب انخاقان  
 محمد ابراهیم خان سرتیپ افواج مله اصفهان هم که با شجاعت  
 نواب معزی الیه پس از دستاورد استقبالی و تعیین منزل شده  
 سجد او قدغن آید نموده اند که جمیع تدارک و فرزومات افواج  
 مله را ما بشین و کار کرداران اصفهان برودی دیده خانها  
 و طبوس و مواجب و غیره آنها را پرداخته مهیا نمایند که در  
 وقت حرکت بهیچ وجه معطلی نداشته باشند و کار کرداران نیز  
 حسب الامر مشغول پرداختن مواجب و مرسوم آنها بوده اند که  
 برودی نامهای امرا آنها را تمام کرده با کمال راستگویی برود  
 فارس شوند

### عراق

گذارش و او طلب شدن عموم امانی عراق بجان فانی بعد از رسیدن  
 مقدّم بنده را نوشهر و مجلس در روزنامه در سه هفته پیش مطبوع کرد  
 لهذا چسبندگی معتمدان بجان فانی میرزا حسن خان حاکم عراق  
 و امانی آنجا از جانب اولیای دولت قاهر حکم شد و فرمان  
 هر ملعان مبارک از مصد جلالت شرف صد و بیست و یک نفر  
 سوارانیه سه هزار نفر در لیف لعلچی و سواره از ولایات عراق  
 برای خدمت دولت غیر از افواج موجب حوار دولت عثمان  
 معتمدان بجان فانی بعد از زیارت فرمان مبارک امانی  
 بید سلطان آباد و علمای اعیان آنجا را بدو انخانه دولتی دعوت  
 کرده مضمون حکم جهان طاع را بجموع مردم القا نموده بملکی با  
 شغف متای جان نثاری و خدمتگذاری کردند بعد از آن  
 عموم امانی و اعیان در شین سفیدان و کدخدایان بی خبر  
 تمام عراق بسلطان آباد احضار کرده مجدداً مجلسی بوجود  
 و اعیان و امانی کل عراق منعقد نموده فرمان مبارک را خواندند  
 مضمون آن را گوشه و کافه ناسرودگی متفق الحله از روی  
 و تقصیر دین و دولت اطاعت و اقبال حکم بامان را از جانب  
 و دل قبول نمودند چنان حالت غیرت و بعضی برای اهل مجلس  
 دست داد که جناب حاجی سید باقر سلمه الله تعالی و سایر علمای  
 را و طلب شدند که هر وقت اعلامی از اولیاد دولت قاهره شود  
 خود هم برای جهاد فی سبیل الله حاضریم بعد از انقضای مجلس  
 شروع بگرفتن لعلچی و سواره بید از ولایات و بیگانه را برای  
 از ردیف ولایتی بر کرده و صاحب منصبی تعیین شده دستور العمل  
 طپوس و تدارک اوضاع و تفنگ سپاه آنها را داد و رنگ لباس  
 ردیف هر ولایتی را جداگانه معین نمود و بدو رسته را چندین

۲۰۵۲

با لباس دکلاه جداگانه و در کلاهشان نشان دولتی از برنج و کزبری  
 مخصوص که شش از نقره بآب است بگیرند ترتیب داد و قرار داد که  
 و پیش تا و هم دست باشند و سر کرده سواره و پیاده هر دو  
 جداگانه معین و هر روزه سواره و پیاده هر دو لایق سلطان آباد  
 آمد و با سب و لشکر و بوس آنها رسیدگی میشود و امانی را در خدمت  
 لعلچی و سواره بید در سلطان آباد حاضر شده سان خواهند  
 آنچه حاضر شده اند چنان ار استه و نظم هستند که بعد از رسیدن  
 بقطر اولیای دولت علیه بیشتر از قشون نظامی جلوه خواهند کرد  
 و چون همه را و طلبت اغلب جوانان کاری نماندند  
 خوب زحمته خدمت خواهند برآمد

### فارس

از فرار یک در روزنامه فارس نوشته اند نواب مستطاب شاهزاده  
 محترم و الا تبار میوید الله له طهارت میرزا حکمران مملکت فارس  
 با تو بچانه و حورخانه و افواج و سواره و استعداد از شیراز  
 کرده و عزیمت رفتن بسمت برار جهان و مجال پستان داشتند  
 در بین عالیجاه معتمدان بجان فانی سلیمان خان فشار میرزا که  
 از دربار جهانبها در کابلون با سواریه و کام علیّه نامور فارس شده  
 بود در ششم شهر جمادی الاول وارد شیراز گردید و خدمت  
 شاهزاده رسید و نواب معتمدی ایه بعد از زیارت احکام  
 او امر علیه بشورت شاه و اعیان ولایت و سران سپاه  
 وقت را در آن دیدند که عساکر منصوره را تا کارزون  
 حرکت داده در آنجا اردو زده توقف نمایند تا بعضی وقت  
 عمل شود لهذا نواب عبدالباقی میرزا و معتمدان بجان فانی  
 حاجی محمد ششم خان دیوان یکی و میرزا نعیم شکر نوین فانی  
 بجهت نظم شهر شیراز گذاشته و خود با اردو بسمت کارزون حرکت

مره

عالیجاه مقرب الخاقان مهر علیخان شجاع الملک در مجال  
 و شتستان در منزل برارخان با عا کر منصور و توپخانه و  
 و استعدا کامل آورد و زده و با نظم تمام توقف دارد و  
 در اینجا کمال فراوانی و ارزانی است و همه چیز فور دارد  
 مقرب الخاقان مشارالیه نهایت مراقبت را در هر باب  
 بعمل می آورد و احوالات آن صفحیات بندر بوشهر را همه  
 خدمت نواب مستطاب هزاره محترم و الایبار مؤید الدوله  
 طهاسب میرزا حکمران مملکت فارس نوشته استحضار  
 و بمقتضای وقت حرکت مینماید

دیگر نوشته اند که در فارس ششها ریافت که امیر الامرا  
 میرزا محمد خان کبکی پاشی با عهده الامرا العظام فصلی حاج  
 بیکریکی و امیر تومان و توپخانه و قورخانه و افواج قاهره و سوا  
 و وجه زیاد نقد از خزانه مبارکه بجهت انعام و اکرام عا کر منصور  
 و مصارف اتفاقیه و خلایق فاخره و نشانی بسیار از  
 جهاندارها یونان امور فارس و روانه کرده و در عرض  
 و عقرب وارد شیراز خواهد شد از انشای این اخبار عا کر  
 و جمیع امانی و عیان کمال خوشوقتی را بهم رسانید

### کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته اند از جمله فرین  
 قضا این که در باب کیفیت بندر بوشهر و گرفتن قسطنطنیه  
 علی القضاة آنجا را و اخبار جنگ کجک مالک محروسه شاهی  
 صان الدایم شوکه عن التناهی شرف صد و یافته بود  
 مهرلعانی که درین باب بافتخار نواب مستطاب هزاره محترم  
 و الایبار مؤید الدوله و الاما مقلی میرزا حکمران کرمانشاهان دعوی  
 و امانی آنجا عا صدر یافته بود با آنجا پرتو وصول افکند و جز

اجبار نواب مغربی الیه بسبب عظمی عظام و ساد اکرام  
 و امانی و امان بلده و بلوکات و ایلات از نظام غیر نظام  
 و رعیت در مسجد جامع کرمانشاهان جمعیت و ازدحام زیاده  
 نمودند و جناب آقا عبدالعالم جمعیس از ادای موعظه و  
 بیان بر رسم علییه تفسیر مضمون فرمان مهرلعان را گوش زد  
 صغیر و کبیر و برناه و پیر نمودند و کلی مردم متفق اللفظ مایشا  
 مال و جان در راه دولت جادید بنیان دولت قوی ارکان  
 هم زبان کردند و بدینچون این آن صفحیات کلا ایلات و امان  
 و از نوکر و رعیت همه در اسب تا ختن و تبر انداختن جا یک  
 با هم بسیار شدند خلقی زیاد و گروهی انبوه از آنها مستعدی جا  
 و در اوطاق تکذاری کردید و عریضه بانه نیای دولت ابدایت  
 که بمحض اشارت علیه همایون جمعیت زیاد بیشتر از نوکر دیوانی که در  
 این ولایت مستند از سواره و پیاده طوایف ایلات و بلوکات  
 و امانه اند که هر طرف حکم شود بجان فشانی اقدام نموده بچفظان

ملت و دولت پر دارند

تو پیمان متوقف دارالدوله کرمانشاهان همه روزه در میدان  
 توپخانه مبارکه مشغول مشق می باشند و عالیجاه فرج الله سیک  
 یاد توپخانه نهایت اهتمام در مشق و انظام امر آنها دارد و همچنین  
 فوج خلیج ساوه ابو اجمعی عالیجاه جانمیرخان همه روزه در میدان  
 سر بازار خانه مشق میکنند و فوج عالیجاه حیاتقلی خان کردی را  
 نواب مستطاب هزاره با عالیجاه ملک شیرخان سرکنگ  
 کرمانشاهان نموده وارد کردید و چند روز است که عالیجاه

شکر نویسیدن آنها مشغول است

دیگر نوشته اند کمال امانت و انظام در انولایت حاصل است و در  
 و قوافل در نهایت آسودگی عبور میروند و مینمایند

۲۰۵۵